



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

وعد
go

نسخه ۱

مقاومت و پیروزی

جمعه ۲۳ روزه مقاومت حزب الله لبنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقاومت در یک نگاه

نویسنده:

حسین غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مقاومت در یک نگاه
۸	مشخصات کتاب
۸	سید حسن نصرالله
۸	ایران همواره یاری دهنده اقتدار لبنان است
۹	سید نصرالله در تونلی زیرزمین
۹	امام خمینی (ره) الگوی عماد مغنیه بود
۱۱	زوایای تاریک تشکیل اسرائیل
۱۱	زوایای تاریک تشکیل اسرائیل
۱۳	حزب الله لبنان رودر رو با نظام سلطه
۱۳	جنبش حزب الله
۱۷	ویژگی دیگر قدرت
۱۹	مرحله تخطئه کامل (۲۰۰۶-۱۹۸۲)
۲۳	مرحله تردید (از ۲۰۰۶ به بعد)
۲۶	مرحله پذیرش کامل
۲۸	جمع‌بندی
۳۰	آمریکا ناگزیر از تعامل با حزب الله در لبنان است
۳۵	حزب الله ۲سال پس از جنگ ۳۳روزه
۴۰	جنگ ۳۳روزه
۴۰	عملیات نامتقارن حزب الله علیه اسرائیل و ویژگی های آن
۴۱	الف) تعریف جنگ متقارن و نامتقارن
۴۲	ب.ویژگی های جنگ نامتقارن
۴۲	ج.جنگ ۳۳روزه و عدم تقارن
۴۴	د. ویژگی های جنگ ۳۳روزه و پیروزی حزب الله

۴۸	نتیجه گیری
۴۹	افکار عمومی در جنگ ۳۳ روزه لبنان
۴۹	فرایند شکل گیری و تحول آن
۶۳	جنگ ۳۳ روزه رسانه ها
۷۴	نگاهی به واکنش دولت ها در قبال تجاوز اسرائیل به لبنان
۷۴	جنگ از مهم ترین رویدادها
۷۴	ایران
۷۵	سوریه
۷۵	قطر
۷۶	عراق
۷۶	مالزی
۷۶	ونزوئلا
۷۸	اردن
۷۸	عربستان
۷۹	مصر
۸۰	ترکیه
۸۱	روسیه
۸۱	چین
۸۲	امریکا
۸۲	انگلستان
۸۳	آلمان
۸۴	فرانسه
۸۴	شگفتیهای جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل
۸۴	جنگ بی نتیجه صهیونیست ها علیه حزب الله
۹۱	بمباران لبنان با بادکنک های سمی
۹۳	شمال از شمال-شرق ۱ (در مورد جنگ ۳۳ روزه لبنان)

- ۹۷ وضعیت بحرانی دولت اولمرت
- ۱۰۰ نا توانی اسرائیل در برابر حزب الله
- ۱۰۴ جشن پیروزی ۳۳ روز مقاومت
- ۱۰۴ در پی پیروزی حزب الله
- ۱۰۵ بازتاب پیروزی تاریخی حزب الله
- ۱۰۶ جشن پیروزی حزب الله در شرق آسیا
- ۱۰۷ زلزله سیاسی در اسرائیل
- ۱۰۸ عذرخواهی رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی
- ۱۰۸ بازگشت هزاران آواره لبنانی
- ۱۰۸ هشدار حزب الله
- ۱۱۰ تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد ناامنی در لبنان
- ۱۱۱ هشدار اسرائیل به دولت لبنان در باره حزب الله
- ۱۱۳ درباره مرکز

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸

عنوان و نام پدیدآور: مقاومت در یک نگاه / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان / حسین غزالی اصفهانی

مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

سید حسن نصرالله

ایران همواره یاری دهنده اقتدار لبنان است

بسم الله الرحمن الرحيم

سید حسن نصرالله : ایران همواره یاری دهنده اقتدار لبنان است

دبیرکل حزب الله لبنان جمعه شب در یک سخنرانی تصریح کرد : جمهوری اسلامی ایران همواره یاری دهنده اقتدار و عزت لبنان است و برای تحقق این امر از هیچ کمکی دریغ نخواهد کرد. سید حسن نصرالله به مناسبت نهمین سالگرد آزادی جنوب لبنان طی یک سخنرانی در بعلبک شرق لبنان گفت : با اینکه هیچ یک از دولت های لبنان برای دریافت کمک های نظامی از ایران اقدامی نکرده اند ، اما جمهوری اسلامی ایران و حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در صورت درخواست رسمی لبنان ، از هیچ کمکی برای تقویت اقتدار و عزت لبنان دریغ نخواهند کرد. وی افزود : البته جمهوری اسلامی ایران هیچگاه برای دادن سلاح پیشقدم نخواهد شد زیرا در صورت چنین اقدامی از سوی برخی در لبنان به تلاش برای وارد کردن لبنان به جنگ و یا محور سوریه - ایران متهم می شود.

ضمن اینکه از سوی لبنان نیز تاکنون چنین درخواستی مطرح نشده است. این مقام حزب الله تصریح کرد : هرچند کشورهای دیگر حتی در صورت درخواست لبنان نیز تجهیزات دفاعی را به لبنان نخواهند داد ، اما آیا کسی این سوال را مطرح کرده است که اگر لبنانی ها از ایران و یا سوریه چنین درخواستی را داشتند آنان دریغ می کردند؟ وی با اشاره به پیشنهاد یکی از

کشورها مبنی بر تحویل هواپیماهای نظامی "میگ" به لبنان گفت: چنین کمکی چه فایده ای دارد. هر کشوری که بخواهد چنین هواپیماهایی را بخرد ابتدا باید سیستم های ضد هوایی تهیه کند و لبنان نیز الان نیازمند سلاح های ضد هوایی و ضد تانک است تا از خود دفاع کند.

دبیرکل حزب الله با اشاره به اینکه سلاح های "مقاومت" برای گروه های چریکی مناسب بوده و برای ارتش لبنان کارآمدی ندارد، اظهار داشت: ادامه مطلب...

سید نصرالله در تونلی زیرزمین

شکست رژیم صهیونیستی در ترور سید حسن نصرالله

رئیس سابق ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی به شکست این رژیم در ترور دبیر کل حزب الله لبنان اعتراف کرد. دان حالتس در گفتگو با شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد: ما تلاش کردیم سید حسن نصرالله را ترور کنیم و اگر به اندازه کافی به وی نزدیک بودیم او اکنون در میان مرده ها بود. حالتس در ادامه گفت:

ما با تمامی تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته تلاش کردیم به سید حسن نصرالله دست پیدا کنیم و اگر وی را یافته بودیم، او ترور شده بود اما من به نوبه خود و به صراحت می گویم که نمی توانم تحمل کنم که سید نصرالله در تونلی زیرزمین در رفت و آمد باشد. رژیم صهیونیستی با وجود در اختیار داشتن پیشرفته ترین تجهیزات نظامی در جنگ ۳۳ روزه از نیروهای مقاومت حزب الله شکست خورد و این رژیم نتوانست به اهداف خود دست یابد. به گفته مقامات صهیونیستی، حزب الله فعلی چهار برابر قویتر از حزب الله سال ۲۰۰۶ و زمان جنگ ۳۳ روزه است.

امام خمینی (ره) الگوی عماد مغنیه بود

معاون فرهنگی دفتر حزب الله لبنان در تهران با بیان اینکه "عماد مغنیه به دنبال حق و حقیقت بود" افزود: مردم ایران و امام خمینی (ره) الگوی این شهید بزرگوار بودند.

"علی زعیتر" در مراسم بزرگداشت نخستین سالروز شهادت عماد مغنیه گفت: پیروزی انقلاب اسلامی عملی قهرمانانه بود و به مردم دنیا آموخت که باید با جور ظالمان مبارزه کنند.

وی افزود: حزب الله لبنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و با

تاسی از این رویداد مهم جهانی ، به مبارزه خود ادامه داد. حرف عماد برگرفته از سخن ها و شخصیت امام خمینی/ره/ بود و همواره او را سرمشق خود قرار می داد.

زعیترا از اسرائیل به عنوان یک غده سرطانی نام برد و گفت : حزب الله با کسب دو پیروزی در سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ توانست بزرگترین ارتش منطقه را به زانو در آورد و مقوله شکست ناپذیری اسرائیل را بشکند.

وی با اشاره به اینکه برخی از سران کشورها ، حزب الله را در جنگ جولادی ۲۰۰۶ به ماجراجویی متهم کردند ، گفت : اگر عزت را به مردم برگردانیم ، این ماجراجویی است؟ ما حاضر نیستیم کرامت و سرزمین خود را بفروشیم. آنها ما را متهم کردند که به دنبال جنگ رفتیم. باید از آنها سوال کرد ، شما کجا رفتید. شما به دنبال آبروریزی و فروختن خود رفتید.

زعیترا ، حاج عماد را الگوی حقوق بشر دانست و تصریح کرد : امریکا و اسرائیل از این الگو و نیروهای تربیت شده به دست او می ترسند.

معاون فرهنگی دفتر حزب الله لبنان در تهران در پایان سخنانش ، پیروزی حماس را به عنوان آخرین میخ تابوت اسرائیل دانست و گفت : صدای له شدن استخوان های اسرائیل شنیده می شود و به زودی این رژیم از بین رفتنی است.

عماد مغنیه بهمن ماه سال گذشته به دست مزدوران رژیم صهیونیستی در دمشق پایتخت سوریه به شهادت رسید.

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم یرزق

سید حسن نصرالله

امروز حاج عماد مغنیه را کشتند و گمان می کنند با کشته شدن وی مقاومت از بین

می رود. آنها وی را در چارچوب جنگ ژوئیه کشتند جنگی که هنوز ادامه دارد و تا امروز هیچ آتش بسی اعلام نشده است. این جنگ چه از نظر سیاسی تبلیغاتی یا مادی و امنیتی ادامه دارد و همان کشورهایی که از جنگ ژوئیه حمایت کردند اکنون نیز از آن حمایت می کنند. عماد مغنیه در چارچوب همین جنگ که تاکنون ادامه دارد، کشته شد. آنها سخت در اشتباه هستند همانطور که در کشتن شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی اشتباه کردند. دبیر کل حزب الله لبنان در ادامه سخنان خود گفت اینها همه نتیجه ریخته شدن خون شیخ راغب حرب و مقاومت سرسختانه وی بود، نه نتیجه قطعنامه ها و دخالت های بین المللی که هیچ گاه چیزی جز حمایت از صهیونیستها در آنها ندیدیم. در خصوص رهبر شهید عباس موسوی نیز وضع به همین منوال بود. او را کشتند و گمان کردند مقاومت با کشته شدن وی از بین می رود اما مقاومت شدت گرفت و پس از چند سال یعنی در سال دو هزار به سبب مقاومتی که نام عباس موسوی نماد و نشانه آن بود شکست خورده و دلیل از لبنان خارج شد.

نصرالله گفت از زمان جنگ ژوئیه دو هزار و شش که عماد مغنیه ارتباط تنگاتنگی با آن دارد تا ریخته شدن خون وی در فوریه دو هزار و هشت باید با مسئولیت من به عنوان آغاز مرحله سقوط دولت اسرائیل در تاریخ نوشته شود. اگر خون شیخ راغبادامه مطلب...

زوایای تاریخ تشکیل اسرائیل

زوایای تاریخ تشکیل اسرائیل

در قرن هیجدهم وقتی که پذیرش یهودیان در کشورهای جدید ملی اروپا دچار اشکال شد، ناپلئون

از یهودیان خواست زیر پرچم او جمع شوند و اورشلیم قدیم را بدست آورند. این بیان به اندیشه برگشت به فلسطین فرصت تولد داد. در سال ۱۸۶۵ جوزف سالوادور گفت: « دولت جدید در سواحل شهرستان جلیل (۱) و در کنعان قدیم تأسیس خواهد یافت. یهودیان در اثر ترکیب کشش های خاطرات تاریخی ، تعقیب شدن در کشورهای مختلف و احساس بوریتانسیسم انجیلی انگلستان به فلسطین بر خواهند گشت » (۲)

در این راستا « تئودور هرتسل » (۳) (۱۸۶۰-۱۹۰۴) بنیانگذار کنگره بال سوئیس می نویسد :

« ما همچنین باید بخشی از یک دیوار دفاعی برای تمدن قدیمی اروپا در مقابل بربریت آسیا را تشکیل دهیم. ما باید در ارتباط نزدیک با تمام اروپا باشیم که تداوم وجود ما را تضمین خواهد کرد. » (۴)

هرتسل بعد از کوشش های فراوان موفق شد در سال ۱۸۹۷ اولین کنگره صهیونیست ها را با بیش از ۲۰۰ عضو تشکیل دهد و این کنگره سازمان جهانی صهیونیستی را بوجود آورد و همه یهودیان را برای تشکیل یک کشور یهودی نشین در فلسطین فراخواند.

هرتسل با پیروزمندی ادعا کرد: « اگر آنچه در کنگره بال روی داد جمع بندی شود ، باید بگوییم که من دولت یهود را تأسیس کردم. این بیان امروز خنده همگان را برخواهد انگیخت. اما شاید در بیست و پنج و مطمئناً در پنجاه سال آینده این کشور تشکیل خواهد شد و همه جهان آن را خواهند دید. » (۵)

در این راستا می توان گفت از همان ابتدای اندیشه صهیونیستی ، اصطلاح « یهودی »

بدل به « اشکنازی » (۶) (یهودیان اروپائی) گردید و کلمه « سفاردی » (۷) (یهودیان یمن ، مراکش ، حلب و غیره) حذف شد. به همین ترتیب تا استقرار دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ تمام کوشش ها برای به کار گرفتن فقط یهودیان اروپا به کار رفت تا متعهد رسالت گسترش تمدن اروپائی در خاور میانه باشند. در سال ۱۸۹۶ هر تسلا در نامه خود به « گراند دوک بادن » ادامه مطلب...

حزب الله لبنان رودر رو با نظام سلطه

جنبش حزب الله

از همان آغاز شکل گیری ، نظام ظالمانه جهانی را به چالش و مبارزه طلبید؛ نظامی که نه تنها به اشغال لبنان و تعرض های مکرر رژیم اسرائیل به این سرزمین رضایت داده بود ، بلکه از متجاوز حمایت های مالی ، رسانه ای ، سیاسی و تسلیحاتی نیز می کرد.

در زندگی قبیله ای ، که یک جامعه سیاسی خرد است ، کسانی که نسبت به خوانین و مباشران آنها کرنش نمی کردند و سر تعظیم فرود نمی آوردند و یا به روابط ظالمانه میان خان و رعیت معترض بودند و از دادن مالیات خودداری می کردند ، حاکمان این جامعه کوچک ، برای آن که راحت تر بتوانند چنین افرادی را گوشمالی بدهند و یا حتی از میان بردارند ، ابتدا یک جنگ روانی ظریفی را علیه این افراد راه می انداختند و به آنها « یاغی » می گفتند. یاغی دارای معنای خاصی است؛ یعنی کسی که قانون شکن است ، از تمدن و زندگی با دیگران فاصله می گیرد ، با هنجارهای حاکم در می افتد ، ترجیح می دهد که

در جنگل و بیابان زندگی کند و کارش نیز نوعاً دزدی و راهزنی است.

بدیهی است که در این جنگ روانی نابرابر، چنین فردی از چشم مردم می افتد و پس از ترور شخصیت، زمینه برای ترور فیزیکی و یا هر نوع تنبیه دیگر فراهم می شود. مسلماً در مثال ما، فردی که به نظام ناعادلانه مالیاتی و باج و خراج اعتراض می کند، دزد و راهزن نیست و راهزن واقعی، همان خان است که در روز روشن از همه کس می برد و به فقیر و غنی هم رحم نمی کند!

حال بیائیم همین مثال را با کلیت جامعه جهانی فعلی منطبق کنیم و رابطه میان پدیده ای به نام « جنبش حزب الله » لبنان را از بدو پیدایش (۱۹۸۲) تاکنون با نظام جهانی مورد بررسی قرار دهیم.

براساس رویکرد مورد اشاره، جنبش حزب الله از همان آغاز شکل گیری، نظام ظالمانه جهانی را به چالش و مبارزه طلبید؛ نظامی که نه تنها به اشغال لبنان و تعرض های مکرر رژیم اسرائیل به این سرزمین رضایت داده بود، بلکه از متجاوز حمایت های مالی، رسانه ای، سیاسی و تسلیحاتی نیز می کرد. به همین خاطر، جنبش حزب الله در مقابل نظام ظالمانه جهانی قرار گرفت. اما، این نظام جهانی چه تعریفی دارد؟

از زمان ظهور حزب الله تا به حال، مرکز ثقل نظام جهانی، غرب بوده و هست؛ در دهه ۱۹۸۰ یعنی در سال های پایانی نظام دو قطبی، در درجه اول آمریکا و سپس، شوروی (سابق)

قواعد حاکم بر نظام بین الملل را ترسیم می کردند و یا حامی این قواعد بوده اند و همانطور که می دانیم ، این دو کشور در حوزه جغرافیای سیاسی و حتی طبیعی غرب قرار داشته اند. به عبارت دیگر ، فرماندهان و حاکمان نظام جهانی ، آمریکایی و در مرحله بعد ، اروپایی بوده اند.

با شروع دهه ۹۰ و حذف شوروی از گردونه قدرت بین الملل ، نقش آمریکا و انگلیس پررنگ تر می شود و ستاد فرماندهی جهان ، به غرب در معنای اخص آن و حوزه انگلوساکسون منتقل می گردد. در این مقطع ، دو کشور آمریکا و انگلیس در رأس نظام سرمایه داری نیز قرار دارند. یک نظام سرمایه داری موفق نیازمند سلسله مراتب و زنجیره محکمی از فرماندهی و فرمانبری است و فقط تعداد انگشت شماری در رأس هرم تصمیم گیری قرار دارند.

در روابط قدرت مورد نظر ما ، آمریکا در جایگاه فرماندهی قرار دارد و اگر ساختار سیاسی جهان را بخواهیم تا حد وضعیت های قبایلی تقلیل دهیم ، اسرائیل نیز نقش مباشر محلی آمریکا (و غرب) را بازی می کند. بقیه جوامع پنج قاره هم فرمانبر و تحت سلطه باقی می مانند و تقسیم کار تحمیلی سیاسی و اقتصادی واشنگتن را می پذیرند و یا در برابر آن مقاومت می کنند ، با این توصیف ، جایگاه حزب الله هم خود به خود مشخص می شود؛ جنبشی که به رابطه فرماندهی و فرمانبری ظالمانه موجود معترض است و از آرمان هایش هم عقب نشینی نمی کند.

با این مقدمه به این نتیجه می رسیم که در نظام های خان

خانی و دیکتاتوری و خصوصاً در یک نظام بین المللی ، که میزان قدرتمندی واحدهای سیاسی ، نظم حاکم بر جهان را شکل می دهد ، افراد و یا گروه هایی که نظم موجود را مورد اعتراض قرار می دهند ، به شدت از طرف حاکمان جهانی تخطئه می شوند ، و این در مورد جنبش های حزب الله لبنان و حماس فلسطین نیز کاملاً صحت دارد و همانطور که می دانیم ، این دو جنبش در صدر فهرست سازمان ها و گروه های تروریستی آمریکا و انگلیس قرار دارند.

اما ، سؤال مهمتر این است که آیا جبهه گیری غرب علیه حزب الله همیشه ثابت بوده و خواهد ماند؟ و آیا تاکنون موضع آمریکا و انگلیس تغییری کرده است و آنها بالاخره از اتهامات ضدہنجاری خود نسبت به این جنبش دست برمی دارند؟

پرسش در مورد حفظ و یا تغییر موضع غرب نسبت به حزب الله ، سؤال مهم و ظریفی است و به نظر می رسد که برای یافتن پاسخی درست ، باید به پدیده « قدرت » در روابط بین الملل توجه کنیم؛ قدرت از یک طرف ، گفتمان و قوانین خاصی را بر جامعه و یا کشورها ، (البته تا جایی که قدرت تسری می یابد) ، مسلط می کند؛ یاغی خواندن فرد معترض در یک جامعه قبیله ای ، اجرای یک قانون ویژه در کشوری خاص و تحمیل تعریفی هدفمند از تروریسم در سطح بین الملل و تصویب قوانین و کنوانسیون های مرتبط با آن ، از جمله مصادیق این وجه قدرت هستند.

ما می توانیم بسیاری از تحولات تاریخی را

با این ویژگی قدرت (که گفتمان و قوانین خاص خود را تحمیل می کند) تحلیل کنیم.

ویژگی دیگر قدرت

که آن نیز با بحث ما رابطه تنگاتنگی دارد و پاسخ به سؤال دوم را باید در همین چارچوب جست و جو کرد ، « سیال بودن » آن است؛ قدرت و قدرتمند بودن ، صفت همیشگی یک فرد و یا یک گروه و ملت نیست و بر همین اساس است که اندیشمندانی مثل « ابن خلدون » برای صاحبان قدرت و تمدن ها یک دوره تولد ، رشد ، بالندگی و مرگ (مثل موجودات زنده) در نظر می گیرند. در مورد وجود نوع ارتباط و موضعگیری سیال و یک طرفه میان حاکمان غربی و جنبش حزب الله ، در اینجا ما با یک نمودار روبه رو هستیم که در انتهای یک طیف آن ، تخطئه کامل (یاغی ، تروریست و...) و در سر طیف دیگر ، پذیرش کامل (شریک ، همکار ، تأثیرگذار) قرار دارد؛ اگر حاکمان در اوج قدرت قرار داشته باشند ، سعی می کنند که افراد و گروه های تازه به دوران رسیده و معترض را ، که نوعاً در مقایسه با حاکمان ، ضعیف تر هستند ، بی حیثیت و تخطئه کنند ، ولی زمانی که همین افراد و گروه های معترض کم کم قدرتمندتر و مؤثرتر می شوند ، و حاکمان نیز جایگاه مطلق اولیه را به مرور از دست می دهند ، لحن و کلام این حاکمان نیز عوض می شود و آنها سعی می کنند با استفاده از جملاتی چون « نقش و جایگاه تأثیرگذار منطقه ای (و

یا داخلی (فلا-ن فرد ، سازمان و یا حتی دولت (مثل ایران کنونی) را نمی توان نادیده گرفت » ، سعی می کنند این عنصر مزاحم را ابتدا به داخل جمع خود (به اصطلاح ، جامعه بین المللی) جذب و در مرحله بعد ، انرژی تجدید نظر طلبی آن را مهار کنند.

برای کالبد شکافی نمودار نوع نگرش آمریکا و انگلیس (حاکمان) به حزب الله لبنان ، به عنوان یک جنبش معترض ، آن را ذیل سه مرحله زمانی تخطئه کامل ، مرحله تردید و مرحله پذیرش کامل بررسی می کنیم.

طی این بررسی اگر متوجه شویم که نگاه غرب به حزب الله از ابتدا تاکنون ، هیچ فرقی نکرده است ، همین دستاورد تحقیقی به تنهایی نشان می دهد که اصولاً به جایگاه بین المللی آمریکا و انگلیس طی این مدت هیچ خللی وارد نشده و حزب الله کنونی نیز مثل روزهای اولیه شکل گیری اش ضعیف باقی مانده و طی این مدت در معادلات منطقه ای و داخلی لبنان ، چندان فربه و قدرتمند نشده است. یا به عبارت دیگر ، حزب الله هنوز از مرحله نخست (تخطئه کامل) بیرون نیامده است.

شاید بتوان شرایط کنونی میان حزب الله و غرب را با مرحله تردید انطباق داد؛ در این مرحله ، کلیت غرب (شامل آمریکا ، انگلیس ، کانادا ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا و استرالیا) در نحوه موضعگیری نسبت به حزب الله ، همصدا نیستند؛ برخی کشورها همچنان مصر هستند که حزب الله را در فهرست سازمان های تروریستی نگه دارند ، برخی دیگر هم

از حساسیت خود می کاهند و حتی سعی می کنند با رهبران جنبش مذاکره کنند و ارتباط داشته باشند. یا اینکه یک کشور خاص (مثل انگلیس) ممکن است به طور مکرر مواضعش را عوض کند و یک روز نام حزب الله را از فهرست تروریسم حذف و روز دیگر وارد فهرست کند و...البته ، مرحله چهارمی هم قابل تصور است و آن موقعی است که جنبش مخالف بتواند قدرت های حاکم را نهایتاً حذف کند و خودش (به همراه جریانات و جنبش های معترض دیگر) بخواهد نظم جدیدی را مستقر سازد ، که البته بررسی آن ، در اینجا چندان موضوعیت ندارد و مبتنی بر احتمال ، آرزو ، حدس و گمان است و به همین خاطر مورد توجه قرار نمی گیرد.

مرحله تخطئه کامل (۲۰۰۶-۱۹۸۲)

جنبش حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ شکل گرفت و عناصری از گروه هایی چون حزب الدعوه ، جنبش امل و جنبش فتح به رهبری ابوجهاد (خلیل الوزير) که از انقلاب اسلامی ایران تاثیر پذیرفته بودند ، هسته اولیه آن را تشکیل می دادند.

آرمان اصلی این جنبش ، مبارزه با رژیم اسرائیل و نجات لبنان از اشغال این رژیم بود. به همین خاطر ، هرچند حزب الله یک جنبش شیعی است ، ولی خود را جنبش مقاومت متعلق به همه مردم لبنان می داند (شیعیان حدود ۴۱ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می دهند) .

مبارزان حزب الله با عملیات مکرر و جانفشانی خود ، ضربات سختی را متوجه اسرائیل کردند و بالاخره در سال ۲۰۰۰ توانستند نظامیان صهیونیست را مجبور به عقب نشینی از لبنان کنند. علاوه

بر این پیروزی حزب الله، که به اسرائیلی ها برای نخستین بار پس از شکل گیری این رژیم در سال ۱۹۴۸، طعم شکست را چشاند، در سال ۲۰۰۶ هم حمله یکجانبه ارتش اسرائیل به لبنان، با مقاومت و حملات متقابل مبارزان حزب الله مواجه شد و صهیونیست ها پس از ۳۳ روز جنگ، به اهداف خود نرسیدند و جنگ را متوقف کردند. بعدها نه فقط کارشناسان و کشور های بی طرف حزب الله را پیروز این نبرد ۳۳ روزه اعلام کردند، بلکه خود مقامات وقت تل آویو نیز رسماً اعتراف کردند که شکست خوردند و این شکست آنقدر محرز و تحقیر آمیز بود که نهادی به نام کمیته «وینوگراد» با هدف کشف علت های این شکست شکل گرفت.

در تمام طول مدت ۲۴ ساله میان ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۶ نگاه آمریکا و غرب به جنبش حزب الله، یکپارچه و ثابت بود، ولی از ۲۰۰۶ به بعد، این وحدت کم کم از بین می رود.

در این مدت ۲۴ ساله، قدرت و یا قدرت هایی که مسلط بر نظام بین المللی هستند، سعی می کنند یک پیشداوری را به عنوان امری بدیهی جا بیندازند و آن، « تروریست » بودن حزب الله است. آمریکایی ها و اروپائیان دقیقاً توضیح قانع کننده ای نمی دهند که چرا حزب الله تروریست است و مایل نیستند که دیگران وارد این مبحث شوند و فقط می خواهند که این موضوع به عنوان امر بدیهی برای هر قضاوت و تحقیق قرار گیرد. واضح تر این است که صاحبان قدرت و حاکمان واقعی جهان نمی خواهند که جز

این فکر کنیم؛ آنها می گویند که حزب الله تروریست است و خوش ندارند که در این مورد بخصوص، بحث شود و همه تجزیه و تحلیل ها باید روی چاره جویی و روش مقابله با حزب الله متمرکز گردد.

طی این ۲۴ سال، تقریباً در قریب به اتفاق اخبار، گزارشات، مصاحبه ها، مقالات، پایان نامه ها و تزه های دکترای دانشگاه های آمریکایی و اروپایی، تروریست بودن حزب الله لبنان یک امر بدیهی است! و این پیشداوری غلط، مبنای تحلیل ها و قضاوت های بعدی تحلیل گران غربی قرار می گیرد.

در ارتباط با غلبه نگاه تروریستی نسبت به حزب الله در رسانه های غربی نیاز به اثبات و ذکر مصادیق نیست چرا که تقریباً همه از آن باخبریم. اما، در میان تحقیقات جدی تر آکادمیک که درخصوص این جنبش صورت گرفته است، یک مورد را به عنوان مطالعه موردی در اینجا شرح می دهیم و ثابت می کنیم که نه فقط رسانه های غربی بلندگوهای رایج قدرت های مسلط هستند، بلکه چطور شرکت های نفتی و الیگارشسی (اقلیت ثروتمند) حاکم تا عمق دانشگاه ها، نفوذ کرده است و حتی تزه های به ظاهر علمی در مقاطع دکتری را هم بازیچه سلطه خود می کند.

« حزب الله در لبنان » عنوان تز دکترای یک نفر انگلیسی به نام « ماگنوس رانستروپ » است؛ رانستروپ در تز خود، ابتدا به چگونگی شکل گیری حزب الله می پردازد و می خواهد ثابت کند که حزب الله یک جنبش بومی اصیل نیست، بلکه فرمانبردار تهران است و

در چارچوب منافع ایران عمل می کند.

مهمترین و محوری ترین امر بدیهی این تز، « تروریست » بودن حزب الله است، نویسنده در هیچ جای تز، به خود زحمت نمی دهد که علت تروریست بودن حزب الله را ثابت کند. براساس ذهنیت این نویسنده (و بسیاری از غربی ها)، افراد و گروه هایی که به هر دلیلی منافع و میراث غرب را مورد تهدید و تعرض قرار دهند، تروریست هستند! از منظر دیگر، اگر شرقی ها به غارت منابع خود و نابودی فرهنگ و همه مواریث خود واکنش نشان دهند و اعتراض بکنند و بجنگند، تروریست هستند! و این یک امر بدیهی است و در آن نباید چون و چرا کرد، زیرا چون منافع آمریکا و غرب را به خطر انداخته اند. به همین خاطر است که شکل گیری و بالندگی حزب الله لبنان، برای غرب به یک مسئله بزرگ و وحشت آور تبدیل شده است.

در ترانستروپ که صفت آکادمیک را یدک می کشد، بررسی در مورد علت اصلی احساسات ضدغربی حزب الله لبنان، حلقه مفقوده آن است و یا توضیح نمی دهد که ارتش اسرائیل به چه حقی باید کشور مستقلمثل لبنان را در اشغال خود داشته باشد، یا نمی گوید که چرا باید حزب الله را که در درون خاک خود علیه اشغالگران و حامیان آنها می جنگد، تروریست خطاب کرد.

این تز نوع نگرش دنیای غرب نسبت به مسایل خاورمیانه و حزب الله را منعکس می کند و متضمن بدیهیات نادرست و جنگ روانی است. مسلما

وقتی مفروض‌ها و بدیهیات یک تحقیق و یا گزارش و گفت‌وگو نادرست باشد، نتیجه این تحقیق، چیزی جز تحریف تاریخ و وارونه جلوه دادن تحولات جاری، چیز دیگری نمی‌تواند باشد و این یگانه راهبرد غربی‌ها در ۲۴ سال موردنظر بوده است.

مرحله تردید (از ۲۰۰۶ به بعد)

همانطور که اشاره شد، در مرحله تخطئه کامل، هم جبهه غرب علیه جنبش حزب الله متحد و یکپارچه بود و هم نوع جبهه‌گیری و اتهامی که متوجه این جنبش می‌کردند، یکی و مشترک بود.

اما، پس از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶، که قدرت حزب الله و جایگاه برتر این گروه در ساختار سیاسی و اجتماعی لبنان به همگان نشان داده شد، کشورهای غربی در مورد نوع موضعگیری شان به تردید افتادند و در جبهه آنها شکاف افتاد. برخی تصمیم گرفتند میان جناح‌های سیاسی و نظامی حزب الله فرق بگذارند و این جنبش را از فهرست تروریستی خود خارج و با سران آن گفت‌وگو کنند. سایر کشورها نیز همچنان بر موضع قبلی خود پافشاری کردند.

این شکاف و اختلاف و تغییر موضع غربی‌ها، به خاطر این نبود که حزب الله از آرمان‌ها و اهدافش دست برداشته و به زعم غربی‌ها، «رفتارهای مشکل‌ساز» خود را عوض کرده است، بلکه محصول تغییرات در قطب‌های قدرت بوده است؛ حزب الله در جنگ ۳۳ روزه نشان داد که قدرتمند است و در مقابل، ضعف اسرائیل بر ملا شد و حامیانش هم به دلایل بسیاری نتوانستند کاری بکنند؛ این تغییر در روابط یکسویه

موجود ، مواضع جبهه مقابل حزب الله را هم تغییر داد ، در غیر این صورت ، تحولات به سمت حذف کامل حزب الله در صحنه سیاسی لبنان و منطقه پیش می رفت .

اما اینکه چرا ما از بروز شکاف در جبهه یکپارچه غربی ها و تغییر مواضع برخی از آنها نسبت به حزب الله سخن می گوئیم ، لازم است که برخی از وقایع مرتبط را در اینجا ذکر کنیم .

در تاریخ ۱۳ ژوئن سال جاری میلادی (۲۴/۳/۸۸) « خاویر سولانا » مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ، با « حسین حاج حسن » ، یک مقام سیاسی حزب الله لبنان و یکی از ۱۱ نماینده وقت این جنبش در پارلمان این کشور ، در بیروت دیدار و گفت و گو کرد . براساس گزارش بی بی سی ، سولانا پس از این دیدار گفت : حزب الله بخشی از زندگی سیاسی لبنان است و در پارلمان این کشور نماینده دارد .

دولت انگلیس نیز از اوایل سال جاری میلادی (زمستان ۱۳۸۷) علاقه مندی اش را به ایجاد ارتباط با شاخه سیاسی حزب الله اعلام کرده بود و بالاخره هم خانم « فرانس گی » ، سفیر انگلیس در لبنان ۲۹ خرداد ماه گذشته با « محمد رعد » مقام ارشد حزب الله و نماینده دیگر این جنبش در مجلس دیدار و گفت و گو کرد . چند روز بعد آمریکا به این اقدام انگلیس واکنش نشان داد و در روز ۱۰ تیر روزنامه « شرق الاوسط » به نقل از یک مقام وزارت خارجه آمریکا می نویسد : واشنگتن از تفاوت گذاری لندن میان شاخه های نظامی و سیاسی

حزب الله تعجب می کند و این تفاوتی که آنها می بینند ، کاخ سفید میان رهبری یکپارچه حزب الله نمی بیند. این مقام آمریکایی تأکید کرد که واشنگتن هنوز حزب الله را یک سازمان تروریستی می داند.

شیخ « نعیم قاسم » معاون دبیرکل حزب الله ، فروردین گذشته طی مصاحبه با روزنامه آمریکایی « لس آنجلس تایمز » گفت : طی سالهای گذشته تصور غرب در مورد حزب الله تغییر کرده است. حتی دولت ها به دلایلی ، شروع به ایجاد ارتباط با حزب الله کردند و دیدارهایی داشته اند... این نشان می دهد که مقاومت اسلامی (جنبش حزب الله) غرب را متقاعد کرده است یک جنبش محبوب ، مستحکم و مهم است که نمی توان آن را نادیده گرفت. قاسم همچنین یادآور شد که هرچند حزب الله بیشتر چهره اش را به افکار عمومی غرب بنمایاند ، به همان میزان نیز فشار مردم کشورهای غربی بر دولت هایشان بیشتر می شود تا به حمایت شان از اسرائیل پایان دهند.

لس آنجلس تایمز نیز به این واقعیت اشاره می کند که اسرائیل در جنگ ۳۲ روزه تابستان سال ۲۰۰۶ می خواست قدرت دفاعی گروه مقاومت لبنان را درهم شکند ، اما طبق گزارشی که اسرائیلی ها اخیراً منتشر کردند و گزارش « وینو گراد » نام داشت ، این حمله با واکنش مواجه شد و شکست ننگ آوری را بر اسرائیل تحمیل کرد.

این شکست هرچند اروپایی ها را به پذیرش واقعیات واداشت ، اما آمریکا که صهیونیسم و لابی های طرفدار اسرائیل در ساختار سیاسی آن فعال تر و مؤثرتر است ، رویکرد

مبتنی بر تروریست بودن حزب الله را نه تنها تغییر نداد ، بلکه دوباره بر آن تأکید کرد؛ وزارت خارجه دولت « جرج بوش » طی گزارش خود در دسامبر سال ۲۰۰۸ (آذر ۱۳۸۷) ، حزب الله را مؤثرترین سازمان تروریستی جهان اعلام کرد.

مرحله پذیرش کامل

زمانی دولت بوش (سال ۲۰۰۸) اعلام کرده بود ، حزب الله باید « با برزمین گذاشتن سلاح و تهدید نکردن صلح (روند سازش میان اعراب و اسرائیل) » ثابت کند که یک سازمان تروریستی نیست. در یک جمعبندی ، زمانی آمریکا به مشارکت فعال جناح سیاسی حزب الله در ساختار سیاسی لبنان تن می دهد که این جنبش علاوه بر پذیرش خلع سلاح ، از سوریه و ایران فاصله بگیرد و از هرگونه فعالیت علیه اسرائیل دست بردارد. این توصیه ای است که « دانیل بایمن » و دیگر کارشناسان شورای روابط خارجی آمریکا به کاخ سفید می کنند.

هرچند پذیرش کامل در چنین شرایطی رخ می دهد ، ولی مسلماً حزب الله به این خفت تن نمی دهد و اصولاً ، پذیرش این شروط ، با موجودیت و هویت حزب الله تناقض دارد. نگاهی به تاریخ سیاسی جنبش ها و جوامع نیز نشان می دهد ، موقعی جنبش ها و دولت ها به چنین شروطی تن می دهند که شکست خورده و به آخر خط رسیده باشند.

اما ، حالت دیگری که به پذیرش کامل یک جنبش و دولت انقلابی توسط قدرت های برتر در روابط بین الملل منجر شود نیز وجود دارد و آن زمانی است که جنبش های انقلابی به قدرت های بلامنازع در حوزه

سیاسی خود تبدیل شوند ، در این شرایط نیز قدرت های برتر احساس می کنند که مخالفت و دشمنی بیشتر با جریان و گروه به قدرت رسیده ، منافع شان را به خطر می اندازد ، ولذا کوتاه می آیند و طی یک فرآیندی ، پذیرش کامل صورت می گیرد ، که ادغام تدریجی دولت های نوظهور و انقلابی روسیه و چین طی نیمه های نخست و دوم قرن بیستم در جامعه بین المللی و شناسایی اجباری آنها توسط آمریکا و انگلیس ، مثال های خوبی در این رابطه هستند.

اما ، با توجه به تحولات جاری لبنان و خصوصاً انتخابات پارلمانی که ماه گذشته برگزار شد ، دور از ذهن است که طی سال های آتی ، شرایط به سمت پذیرش کامل پیش برود.

حزب الله در داخل لبنان قبل از آمریکا و انگلیس ، با توطئه ها و کارشکنی های سران دولت های محافظه کار عرب دست و پنجه نرم می کند و نزدیک ترین مثال در این مورد ، خرید آرا به نفع جریان « ۱۴ مارس » با دلارهای نفتی عربستان بود. آمریکا به کمک این دلارها توانست در مجلس جدید ، چهار کرسی از مجموع کرسی های متعلق به جریان « ۸ مارس » (حزب الله و متحدانش) را بکاهد و جایگاه این جنبش را در مجلس ، در مقایسه با گذشته ، کمی ضعیف کند.

ولی در مقابل ، جریان ۱۴ مارس که مجدداً اکثریت و دولت را در دست گرفت ، این بار اساس کار خود را خصومت قرار نداد و لاقلاً تاکنون نسبت به جنبش حزب الله نگرش

مثبت تری دارد و «سعدالدین حریری» نخست وزیر جدید نیز در آستانه تشکیل دولت، به دیدار «سیدحسن نصراله» دبیرکل حزب الله، رفت. در این میان، شخصیت های سیاسی مستقل تر مثل «نبیه بری»، رئیس مجلس و «میشل سلیمان»، رئیس جمهور لبنان، هم حامی جنبش مقاومت و نصرالله هستند.

در هر حال، کسب ۷۱ کرسی از تعداد کل ۱۲۸ کرسی توسط گروه ۱۴ مارس، اکثریت ضعیفی را به این گروه در قبال ۵۷ کرسی ائتلاف ۸ مارس (متشکل از جنبش های حزب الله، امل و طرفداران میشل عون مسیحی) می دهد و شرایط برای جنبش مقاومت هم چندان سخت نشده است.

به نظر می رسد که در آینده مداخلات آمریکا و متحدان غربی و عربی اش و اقدامات خرابکارانه اسرائیل در لبنان ادامه یابد و این در جملات نخستین اعلامیه «باراک اوباما»، رئیس جمهور آمریکا، پس از انتخابات اخیر (اواسط خرداد) لبنان کاملاً مشهود است؛ وی گفت که به حمایت از «یک لبنان دارای حاکمیت و مستقل و متعهد به صلح (سازش و نه مقاومت) ادامه خواهد داد.» منظور اوباما از این جملات، ادامه یافتن دخالت های آمریکا در لبنان است.

جمع بندی

با نگاه به نموداری که تاکنون تشریح شد، می بینیم که نوع تعامل غربی ها با جنبش حزب الله طی ۲۷ سال اخیر، از مرحله تخطئه کامل به سمت تردید حرکت کرده است و این جهت جریان را به سمت قدرتمندتر شدن جنبش را طی تقریباً

سه دهه اخیر نشان می دهد. اما ، حدود سه دهه مبارزه برای رسیدن به مرحله میانی و نه پذیرش کامل ، مدت زمان زیادی است و نشان می دهد که اگر این وضعیت ادامه یابد و در صورت ثابت ماندن همه متغیرهای تأثیرگذار داخلی و خارجی ، ممکن است که جنبش حزب الله دچار روزمرگی ، انفعال و حتی فرسودگی شود. به نظر می رسد که حزب الله و حتی مردم لبنان از همه ظرفیت های موجود خود برای مقابله با تجاوزگری های اسرائیل و مداخلات روزافزون غربی ها استفاده کرده و می کنند ، اما در این مرحله حساس و سرنوشت ساز با کارشکنی ها و خیانت های سران محافظه کار عرب مواجه شده اند و در این میان ، دولت های مصر و عربستان شمشیر را کاملاً از رو بسته اند؛ حمایت های طولانی ریاض از گروه های مسلح سلفی در داخل لبنان و سرازیر کردن دلارهای نفتی برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات پارلمانی ، قابل انکار نیست. سران دولت قاهره هم یک روز جنبش حزب الله را به مداخلات پنهانی در امور داخلی مصر و روز دیگر هم به قاچاق مواد مخدر متهم می کند! همه این تلاش ها نشان می دهد که دیگر از دست اسرائیل ، آمریکا و غرب برای کاستن از جایگاه حزب الله در معادلات داخلی لبنان و منطقه ای کاری ساخته نبود ، و لاجرم دولت های بومی و مسلمان همپیمان غرب می بایستی وارد عمل می شدند و این معادله را به ضرر حزب الله تغییر می دادند.

نتیجه این که ما اکنون شاهد مرحله تردید غربی

ها هستیم و هرگونه تغییری در این نمودار، به مسایل بسیاری گره خورده است که از جمله مهمترین آن، نوع تعامل غرب و ایران پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری کشورمان است.

آمریکا ناگزیر از تعامل با حزب الله در لبنان است

بین الملل < خاورمیانه - تأکید نصرالله بر یکی نبودن اکثریت پارلمانی و اکثریت مردمی

محمدرضا نوروزپور: در برخی از کشورها اکثریت پارلمانی با اکثریت مردمی یکی است و اگر پارلمانی از یک حزب یا چند حزب ائتلافی تشکیل شود نشان از این دارد که اکثریت آن جامعه با آن پارلمان تعریف می شوند اما در کشوری مانند لبنان چنین تناسبی وجود ندارد.

برای آنها که با مقوله حوزه های انتخابی در برخی از کشورها مانند لبنان آشنا هستند می دانند که تقسیم بندی حوزه ها در کشور بر اساس مذهب و طایفه چندان عادلانه نیست و ممکن است یک حوزه انتخابی حتی با داشتن جمعیت بیشتر رأی دهندگان نتواند اکثریت را از آن خود کند چرا که حوزه های دیگر انتخابی بیشتری در اختیار رقبا آنها است. بر همین اساس سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان دیروز در اولین اظهارات رسمی خود پس از اعلام نتایج انتخابات اشاره کرد که تفاوتی میان اکثریت پارلمانی و اکثریت مردمی وجود دارد و اکثریت پارلمانی، لزوماً اکثریت مردمی نیست. "

انتخابات لبنان اذهان را به این سمت و سو هدایت کرده است که تبلیغات آمریکا و تلاش های آن در منطقه موفقیت آمیز بوده اما همه ماجرا به این جا ختم نمی شود. با این همه اگرچه تحلیل های فراوانی بر این نکته تکیه داشته اند که پول های بی شمار عربستان سعودی در حمایت از تشکیلات حریری هم در این پیروزی نقش داشته اما نگاهی

به بافت قومی و طایفه ای لبنان حاکی از این حقیقت است که اگر قانون اساسی لبنان در خصوص حوزه بندی های سیاسی تغییر می کرد این حزب الله بود که پیروز میدان انتخابات در می آمد.

در این بین حتی در خصوص تأثیر دولت آمریکا در انتخابات لبنان ، زاویه دید لطیفی وجود دارد و اینکه اگر دولت کنونی آمریکا یک دولت جمهوری خواه با رویکردهای جنگ طلبانه گذشته بود و این نبود که هم اکنون یک رئیس جمهور معتدل با شعار تشکیل کشور مستقل فلسطینی و با نیت فشار وارد کردن به اسرائیل برای پذیرش حقوق همه فلسطینی ها و کشورهای همسایه روی کار آمده به طور قطع جناح ۱۴ مارس هم اینک با شکستی سخت مواجه می شد.

بر همین باور برخی از تحلیل گران سیاسی در اروپا ، خصوصاً در میان روزنامه نگاران انگلیسی بر این اعتقادند که اواما و نگرش مثبت او به جهان اسلام ، دست کم در حوزه تغییر گفتمان ، بسیاری از لبنانی ها را مجدداً به جناح متمایل به آمریکا سوق داده است. روزنامه ایندیندنت در گزارشی از پیروزی ائتلاف طرفدار آمریکا در لبنان آن را هدیه تغییر گفتمان دولت اواما دانست و تصریح کرد آنچه امروز سبب شده تا این جناح با تفاوت کمی از ائتلاف مقاومت پیشی بگیرد همانا به دلیل تغییر فاحشی است که در سیاست خارجه اواما نسبت به جهان اسلام رویداده و گویا سخنان و مواضع او برای آنها باور پذیر بوده است.

این تغییر رویکرد در میان لبنانی ها اما خود جای بحث دارد ، خصوصاً اینکه در حوزه شیعیان ، حزب الله توانسته همچنان حاکمیت خود را حفظ کند و تأثیر آن بر مسلمانان سنی که تحت لوای سعد حریری

و ائتلاف ۱۴ مارس حرکت می کنند نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

اما آنچه را که نمی توان منکر شد ، این واقعیت است که آنچه در روزهای گذشته سبب شد تا لبنان با آرامش کامل جناح مورد نظر خود را از صندوق های رأی بیرون بکشد امنیتی بود که در زیر سایه سلاح حزب الله لبنان به دست آورده است و اگر سلاح کارا و برنده حزب الله نبود بارها و بارها این کشور شقه شقه و یا متشتط و چند پاره شده بود نمی شد اساساً در چنان فضایی انتخاباتی آزاد برگزار کرد که همگان آن را میوه دموکراسی و امنیت می دانند.

نصرالله حتی دیروز به این موضوع نیز به خوبی اشاره کرد و در آنجا که به تبلیغات منفی دشمنان مقاومت در خصوص سلاح حزب الله اشاره می کرد و انتقاد می کرد که آنها همیشه این سلاح را عاملی برای شفاف نبودن نتیجه انتخابات می دانند گفت : اکنون انتخابات که به شفافیت آن شک داشتند در سایه وجود سلاح مقاومت برگزار شده و نتیجه آن نیز پیروزی طرفداران حزب حاکم است در حالی که اگر معارضان به اکثریت کرسی ها دست می یافتند ، آنها می گفتند که این انتخابات شفاف نیست و من بار دیگر یادآور می شوم که بعد از این نتایج انتخابات و پذیرش و موافقت ما با این نتایج این دروغ بزرگ نیز افشا شد.

آنچه هم اینک در میان دشمنان مقاومت نوعی خوشحالی کاذب ایجاد کرده این است که با این نتیجه ممکن است اندکی از قدرت حزب الله در کشور کاسته شود اما حزب الله همواره نشان داده است که هر روز در کاری نو است و در هر شرایطی می داند

که چگونه بر توانایی ها و اقبال عمومی گسترده ای که در حوزه شیعیان و جنوب این کشور دارد اهداف خود را بالا ببرد.

نصرالله با اشاره به همین موضوع و در آنجا که به راحتی نتیجه انتخابات را می پذیرد و حتی به مخالفان خود بابت آن تبریک می گوید بر این نکته تأکید می کند که حزب الله و گروه معارضان کارهای بزرگی در پیش دارند که باید به آن پردازند. نصرالله با ایمان به اینکه اقبال عمومی در لبنان به نتیجه ای نیست که از صندوق های رأی بیرون آمده به هواداران خود اطمینان می دهد: با وجود این که ما به کرسی های اکثریت پارلمانی دست نیافتیم، اما این مسئله مسئولیت ملی ما که همان اجرای طرح اصلاحات است را از بین نمی برد. ما در قبال انجام طرح های اصلاحاتی خود مسئولیم و ما در گروه های معارض به زودی در راستای تعیین گام ها و خط مشی مان و نیز نحوه عملکردمان در مرحله آینده رایزنی خواهیم داشت. همانطور که می دانید ما با مسئله تعیین رئیس پارلمان، تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت روبه رو هستیم و باید با آنها به عنوان گروه های معارض و از موضع گیری خود همکاری کنیم.

حزب الله در انتخابات روز هفتم ژوئن توانست ۵۷ کرسی را از آن خود کند حال آنکه رقیب آن یعنی ائتلاف آمریکایی ۱۴ مارس ۷۱ کرسی را به چنگ آورد که این برتری آن ها را برای تشکیل دولت ذی حق جلوه می دهد اما این همه راه نیست چرا که حزب الله به درستی و به خوبی در همه دوره ها نشان داده است که اپوزیسیونی قوی و بسیار تأثیر گذار است و حتی در دوره پیشین نشان داد که

می تواند عملاً با ساماندهی اعتراضات مدنی گسترده نظام سیاسی و اداری را به راحتی فلج کند. از این رو نصرالله در قسمت های دیگری از اظهاراتش به پارلمان هشدار می دهد که باید برای آینده برنامه ای مشخص داشته باشند. او می گوید: ما می خواهیم بدانیم که اکثریت پارلمانی برنامه اش برای آینده چیست و چه طرحی در اختیار دارد. این طرح و برنامه باید به مردم شناسانده شود چرا که آینده کشور و مردم مطرح است. اولویت های این گروه چیست و با چه روحیه ای با مسائل کشور برخورد خواهد کرد. آیا از تجربه های سال های گذشته خود به ویژه چهار سال اخیر استفاده خواهد کرد؟ گروه های معارض کشور که جایگاه پارلمانی خود را و هم چنین جایگاه سیاسی و مردمی شان را حفظ کردند هم چنان در راستای اعتلای سطح مردمی تلاش می کنند.

نکته دیگری که از دید بسیاری از کارشناسان سیاسی خاورمیانه مغفول نمانده تأثیر این انتخابات، همزمانی آن و شایسته های احتمالی آن با انتخابات ریاست جمهوری در ایران است. نیویورک تایمز در گزارشی به قلم مایکل اسلکمن معتقد است این نتایج که بی شک متأثر از رویکرد جدید آمریکا به منطقه و جهان اسلام است ممکن است در نتیجه انتخابات ایران نیز تأثیر گذار باشد، چرا که او با تمایل خود را به مذاکره با ایران حتی بدون هرگونه پیش شرطی اعلام کرده است. در این تحلیل آمده است که دولت او با برعکس پارادایم گذشته حاکم بر سیاست خارجه آمریکا رویه تقابل با سوریه، ایران و حزب الله را ندارد و برعکس می کوشد با این هر سه عنصر تأثیر گذار و قدرتمند منطقه ای وارد گفت و گو و تعامل شود.

از نگاه اسلکمن آمریکا

ممکن است در لبنان به اهداف اولیه خود رسیده باشد اما یکی از اهداف اصلی آنها تعامل با حزب الله است ، حزب الله که در هر شرایطی لبنان بدون نام آن معنی ندارد.

حزب الله ۲ سال پس از جنگ ۳۳ روزه

روز گذشته سالگرد آغاز جنگ سنگین و فراگیر رژیم صهیونیستی علیه حزب الله لبنان بود. این جنگ قرار بود حداکثر به مدت یک هفته ادامه پیدا کند و زمان آن ۲۰ شهریور ۸۵ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۶) همزمان با پنجمین سالگرد حادثه مشکوک نیویورک باشد. اقدام حزب الله لبنان به درگیری نظامی با یک یگان نظامی رژیم صهیونیستی در حوالی روستای مرزی « عتیا الشعب » در روز ۲۱ تیرماه ، دو ماه عملیات نظامی تل آویو علیه حزب الله را به جلو انداخت و در همان حال سبب شد که این جنگ به جای یک هفته حدود پنج هفته را به خود اختصاص دهد و نتیجه ای متفاوت از آنچه بطور مشترک صهیونیست ها و آمریکایی ها دنبال می کردند ، در پی داشته باشد. وقتی جنگ آغاز شد ، اسرائیلی ها گمان می کردند به اندازه لازم بر موقعیت های حزب الله اشراف اطلاعاتی دارند و می توانند با مدد گرفتن از امکانات وسیع هوایی به پیروزی « آسان » و « سریع » دست پیدا کنند ولی این انگاره در روز سوم پس از ناکامی در از میان برداشتن کادر رهبری حزب الله دگرگون شد و در غروب روز چهارم پس از آنکه ناو جنگی « ساعره » اسرائیل در ۱۲ مایلی آب های ساحلی بیروت از کمر تا شد و به اعماق آب های مدیترانه فرو رفت و حداقل

۳۵ تن از نیروهای آن کشته شدند ، رنگ باخت. اسرائیلی ها در پایان روز چهارم به آمریکایی ها یادآور شدند که امکان موفقیت در این جنگ نزدیک به صفر است. آنان با مرور خاطرات دولت نظامی آریل شارون در دهه ۱۹۹۰ که در نهایت به فرار از لبنان در پایان این دهه منتهی گردید ، به عناصر آمریکایی « کمیته مشترک هدایت عملیات » گفتند مواجهه ما با چریک هایی که به مرگ لبخند می زنند و برای شهادت لحظه شماری می کنند امکان پذیر نیست و البته آمریکایی ها بر این گفته کاندولیزا رایس وزیر خارجه پای می فشردند که : « در این عملیات عقب نشینی پیش بینی نشده است. » ژنرال های آمریکایی در این جنگ ، اسرائیلی ها را وادار کردند که به جای استفاده مطلق از نیروی هوایی و به جای تکیه بر محاصره دریایی باید به عملیات واقعی علیه حزب الله روی آورد. آنان معتقد بودند سیاست قدیمی اسرائیل مبنی بر « پیروزی با تکیه به رعب » در مقابل شهادت طلبان حزب الله پاسخ نمی دهد و لذا باید به میدان آمد. بر همین اساس اسرائیلی ها در روز ۳۱ تیرماه با یک تاخیر ۹ روزه ، عملیات زمینی را با تکیه بر تانکهای افسانه ای « مرکاوا » آغاز کردند. ستونهای تانک نیروی زمینی که با هلی کوپترهای بسیار پیشرفته رژیم اسرائیل پشتیبانی می شدند به راه افتادند ولی به زودی با لرزیدن زمین زیر پای این تانکها و انهدام پی در پی آنان ، اسرائیلی ها به وحشت افتادند و با نگرانی تحولات جنگ را مرور می

کردند. ۹ روز دیگر طول کشید و اسرائیلی ها جنگ را با فشار فراینده ژنرال ها و دیپلمات های ارشد آمریکایی ادامه دادند ولی در این دوران دستاورد خاصی نداشتند. آنان از مارون الراس شروع کردند و به زودی ناچار به عقب نشینی شدند سپس متوجه نقطه شمالی مرز - الطیبه - شدند و از آنجا نیز عقب نشستند و به عتیاالشعب بازگشتند و از آنجا به منطقه ناقوره لشکر کشیدند. عملیات زیگزاگی صهیونیست ها و سپس عقب نشینی پی در پی نشان داد که اسرائیل از چریکهای حزب الله به شدت هراسان است. وقتی اسرائیلی ها در روز هیجدهم جنگ - ۹ مرداد ماه - به جنایت بزرگ روی آورده و مرکز نگهداری ایتام و زنان سالخورده را در روستای قانا- واقع در حوالی صور- به نحو وحشیانه ای بمباران کردند تحلیل گران نظامی فاش کردند که نظامیان این رژیم برای واداشتن سازمانهای حقوقی بین المللی به صدور قطعنامه ای برای پایان دادن به این جنگ ، به جنایت نفرت آور روی آورده اند. جنگ با شکست رژیم صهیونیستی از حزب الله به پایان رسید و در این بین آمریکایی ها ، انگلیسی ها و فرانسوی ها دست به کار شدند تا با تهیه قطعنامه ای آبرومندانه اسرائیل را از بحران بیشتر نجات دهند. قطعنامه ۱۷۰۱ با چند بار تنازل از متن اصلی که توسط انگلیسی ها تهیه شده بود به تصویب رسید. در آن عملاً حزب الله لبنان بعنوان یک طرف به رسمیت شناخته شده بود و لحن نسبتاً آرامی داشت. وقتی جنگ به پایان رسید ، گروه های لبنانی مخالف حزب الله - که به

۱۴ مارس موسوم هستند- وارد میدان شدند تا با درگیر کردن حزب الله در صحنه داخلی ، سیاست بدنام سازی را به نیابت از آمریکا ، اسرائیل و بعضی از رژیم های عربی عملیاتی کنند. از این رو دولت سینیوره و هواداران آن بطور غیررسمی علیه حزب الله اعلام جنگ کردند. حزب الله که به هوشیاری در میان شخصیت های لبنانی شهره است به مقاومت منفی روی آورد و از ورود در درگیری های داخلی پرهیز کرد و حتی با صراحت اعلام کرد که اگر هزار نفر از ما را بکشید علیه شما دست به سلاح نمی بریم. حزب الله با فراخوان ، نیروهای هوادار خود اعم از مسلمان ، مسیحی و دروزی را به « اعتصام » در میدان اصلی شهر - ریاض الصلح و ساحت الشهدا- فراخواند. شیعیان و سایر هواداران لبنانی حزب الله اجتماع بزرگ خود را در ۱۵ آبان ۸۵ تشکیل دادند. این اجتماع ۱.۵ میلیون نفری در روز چهارم آن به حدود ۲ میلیون نفر گسترش پیدا کرد. این اعتصام تاریخی با پایمردی بی نظیر هواداران سیدحسن نصرالله تا روز صدور بیانیه پایانی اجلاس دوحه در اول خرداد ۱۳۸۷ یعنی ۱۹ ماه به طول انجامید وقتی بیانیه دوحه صادر شد حزب الله- تقریباً- به همه خواسته های خود شامل تشکیل دولت وحدت ملی ، ثلث ضامن کابینه ، برگزاری انتخابات بر اساس رویه انتخاباتی ۱۹۶۰ ، عدم بکارگیری سلاح در مناقشات داخلی و فاصله گرفتن مخالفان منطقه ای و خارجی حزب الله از تاثیرگذاری بر تصمیم گیری در لبنان دست پیدا کرده بود از این رو بیانیه نهایی اجلاس دوحه به

منابه قطعنامه ۱۷۰۱ برای برونرفت محترمانه مخالفان داخلی حزب الله از بحرانی که خود آن را به وجود آورده بودند، خوانده شد. جنگ ۳۳ روزه وقتی به پایان رسید که حزب الله لبنان دو اسیر صهیونیست را در اختیار داشت و این برای اسرائیلی ها که دائماً جنگ سنگین علیه حزب الله را با آن توجیه می کردند، بسیار سخت بود اولمرت چند روز پس از پایان جنگ اعلام کرد که حاضر به باج دادن نیست و نمی خواهد با گفت و گو با حزب الله، قوی ترین گروه ضداسرائیلی عرب را به رسمیت بشناسد. از این سخنان اولمرت زمان زیادی نگذشت که خبر مذاکرات محرمانه تل آویو و حزب الله با وساطت نماینده دبیرکل سازمان ملل به بیرون درز کرد و البته اولین بار در نشریه اسرائیلی جزورالم پست به چاپ رسید. در این روند حزب الله لبنان خواسته های خود را به روی میز مذاکره گذاشت که این موارد را شامل می شد ۱- آزادسازی ۵ اسیر لبنانی شامل سمیر قنطار قدیمی ترین زندانی در بند رژیم صهیونیستی و دو شهروند لبنانی که در جنگ ۳۳ روزه به اسارت اسرائیل در آمده بودند. ۲- روشن کردن سرنوشت ۴ دیپلمات اسیر ایرانی که در سال ۱۳۶۱ توسط فالانژهای لبنانی ربوده شده و به نظامیان اسرائیلی تحویل داده بودند ۳- ارائه نقشه مناطق مین گذاری شده جنوب لبنان ۴- آزادی حداقل ۲۰۰ اسیر عرب که اکثر آنان را فلسطینی ها تشکیل می دهند ۵- رژیم صهیونیستی با تلخکامی همه خواسته های حزب الله بجز یکی از بندهای آن که به زندانیان عرب مربوط

بود را پذیرفت. در مورد این بند اسرائیلی ها استدلال کردند که این موضوع مستقلا در جریان مذاکرات حماس با دولت تل آویو دنبال می شود حماس نیز از سیدحسن نصرالله خواسته بود که بحث راجع به زندانیان فلسطینی را از دستور کار مذاکرات غیرمستقیم حزب الله و رژیم صهیونیستی خارج کند. اینک اسیران حزب الله در آستانه آزادی قرار دارند و همانگونه که سیدحسن نصرالله گفته بود به زودی سمیر قنطار وارد بیروت می شود و لبنانی ها او را خواهند دید. براساس گزارش منابع رسمی مبادله اسرا در روز چهارشنبه این هفته مقارن با هفته اول جنگ رژیم صهیونیستی علیه حزب الله در سال ۸۵ انجام می شود و بار دیگر جهان شاهد یک پیروزی بزرگ برای مقاومت ضدصهیونیستی خواهد بود. در واقع حزب الله در فاصله دو ماه دو پیروزی بزرگ را به نظاره نشسته است: پیروزی در دوحه و پیروزی در ناقوره محل تحویل گرفتن اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی.

جنگ ۳۳ روزه

عملیات نامتقارن حزب الله علیه اسرائیل و ویژگی های آن

اسرائیل در ۲۱ تیر ماه ۱۳۸۵ حملات همه جانبه علیه حزب الله لبنان به بهانه اسارت دو سرباز اسرائیلی آغاز کرد اما پس از ۳۳ روز جنگ تمام عیار ارتش رژیم صهیونیستی که از ابتدای پیدایش، در هیچ جنگی شکست نخورده بود در جنگ با رزمندگان مقاومت حزب الله لبنان به زانو در آمد.

تا قبل از ژوئن ۲۰۰۶ کلیه جنگ های اعراب و اسرائیل کمتر از هفت روز و در عملیات خوشه های خشم ۱۶ روز ادامه داشت. زیرا در استراتژی جنگی اسرائیل به علت عمق استراتژیک محدود و حساسیت تلفات نیروی انسانی، ارتش این کشور، در کلیه

جنگ های خود به دنبال وارد آوردن ضربات برق آسا و سریع در کمتر از یک هفته و سپس آغاز مذاکرات با طرف مقابل بوده است.

اما در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب الله لبنان سرنوشت جنگ به گونه ای دیگر رقم خورد. به نحوی که حزب الله برای اولین بار در جنگ های نوین و کلاسیک با استفاده از جنگ نامتقارن توانست حریف مقتدر و تا به دندان مسلح خود را شکست دهد. حال به بررسی آن می پردازیم.

الف) تعریف جنگ متقارن و نامتقارن

۱- جنگ متقارن :

تقارن بر وزن تفاعل است و به معنی قرین شدن می باشد و جنگ متقارن به نبردی اطلاق می شود که طرفین درگیر آرایش مشابه با یکدیگر داشته و با روش های معمول و متداول نظامی در نبرد با یکدیگر می پردازند.

طرفین درگیر از امکانات و تجهیزات، نفرات معادل و مشابه علیه هم استفاده می کنند و به صورت کلاسیک به جنگ می پردازند.

۲- جنگ نامتقارن :

جنگ نامتقارن به نبردی اطلاق می شود که یک طرف از جنگ از روش های خاص و منحصر به خود علیه حریف نیرومند خود بهره می گیرد. عدم توازن در قوا، عدم تناسب در شرایط توانائی ها و امکانات وجود دارد.

نشریه **Joint strategic survey** در سال ۱۹۹۹ در تعریف عدم تقارن می نویسد: رهیافت نامتقارن تلاش هائی در راستای دور زدن یا تحت الشعاع قرار دادن توانائی های ایالات متحده آمریکا و قدرت هژمون در عین بهره گیری از ضعف های آن و سودجویی از روش هایی است که تا حد زیادی با روش های مورد انتظار این کشور تفاوت دارند.

این رهیافت ها بیشتر در پی ایجاد تاثیر روانشناختی عمده ای مانند ایجاد شوک، اخلال و آشفتگی بر ابتکار، آزادی عمل

و اراده طرف مقابل هستند. روش های نامتقارن مستلزم افزایش نقاط ضعف و گستره آسیب پذیری های حریف می باشد که اغلب ، از فناوری ها تاکتیک ها و سلاح های ابتکاری و غیررسمی بهره می برند و می توانند در سطوح مختلف جنگ ، اعم از استراتژیک عملیاتی و تاکتیکی در سراسر سطوح عملیات نظامی کاربرد داشته باشند. روش های نامتقارن عملیات چریکی ، جنگ درازمدت فرسایشی ، نبرد سیاسی و عملیات روانی و تمایل به شهادت طلبی و ایثارگری متکی بوده است. در جنگ نامتقارن ضعفا می کوشند تا حداکثر استفاده را از آسیب پذیری طرف نیرومند ببرند.

ب. ویژگی های جنگ نامتقارن

جنگ نامتقارن طبق تعاریفی که ذکر شد ویژگی های خاص خود را دارد که این ویژگی ها عبارتند از :

۱. استفاده از روش های نامعمول و نامتجانس
۲. جنگ نامتقارن فقط در سطح نظامی نیست بلکه در سطح استراتژیک کاربرد دارد که استفاده از جنگ رسانه ای ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، اطلاعات و روانی از جمله آنهاست.
۳. انگیزه و روحیه بالای شهادت طلبی جهت از بین بردن نفرات و ادوات دشمن .
۴. سرعت عمل بالا-، از بین بردن اراده طرف مقابل ، شوک بهت ، نامرئی بودن و عدمت تشخیص ضربات وارده توسط حریف نیرومند از دیگر ویژگی های جنگ نامتقارن است.

ج. جنگ ۳۳ روزه و عدم تقارن

مهمترین ارزش و حیاتی ترین مسئله یک کشور ، امنیت ملی آن است. دولت غاصب صهیونیستی در ۶۰ سال حیات نامشروع خود همواره به دنبال امنیت ملی بوده است. ماهیت نظامی ، امنیتی اسرائیل و محاصره آن توسط کشورهای عربی که موجودیت آن را به رسمیت نمی شناسند ، امنیت ملی این کشور مصنوعی را مورد تهدید قرار داده است.

برای حل این معضل امنیتی ، رژیم صهیونیستی جهت رفع تهدیدات نظامی خارجی به قدرت نظامی و ارتش کلاسیک خود تکیه کرده به نحوی که در طول ۶۰ سال گذشته ۶ بار با همسایگان خود جنگیده است.

ششمین جنگ اسرائیل با اعراب در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ با تهاجم گسترده و همه جانبه اسرائیل به لبنان به منظور نابودی حزب الله جهت دستیابی به منافع استراتژیک در جنوب لبنان به وقوع پیوست . نبردی تمام عیار که ۳۳ روز به طول انجامید و با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت ، مبنی بر ترک مخاصمه پایان پذیرفت

جنگ حزب الله و اسرائیل نبردی نابرابر و نامتجانس و از نوع نامتقارن محسوب می گردد. زیرا عدم تقارن ، همه جانبه بر دو طرف جنگ حاکم بود. از یک طرف یک حزب و گروه سیاسی به نام حزب الله و طرف دیگر دولت غاصب اسرائیل قرار داشت و کمترین تقارن بین توان ، ابزارها ، راهبردها ، تاکتیک ها ، اهداف ، عناصر قدرت ، سازماندهی ، فرماندهی حزب الله و رژیم غاصب اسرائیل وجود داشت.

شکست سریع و کم هزینه دشمن از جمله اهداف عالی نظامی است که استراتژیست های نظامی همواره درصدد دستیابی بدان بوده اند. تاثیرگذاری بر اراده ، درک و برداشت دشمن برای پاسخگویی ، ایجاد شوک و بهت از ایجاد یک شکست سریع به دست می آید. به قول « کلاتیز ویتس » هدف از یک جنگ سریع ، از بین بردن اراده دشمن است.

ارتش مجهز و اسطوره ای رژیم صهیونیستی که از ابتدای پیدایش در هیچ جنگی از اعراب شکست نخورده بود ، تا قبل از جنگ ۳۳ روزه و حتی جنگ ۱۶ روزه خوشه های خشم ، کلیه جنگ های اعراب و اسرائیل کمتر از هفت روز بوده است. استفاده از سلطه سریع عملیات برق آسا به جهت عمق استراتژیک محدود و حساسیت تلفات نیروی انسانی در جامعه ، از رئوس استراتژی جنگی رژیم صهیونیست می باشد.

نکته قابل توجه ، تحمیل شکست بر طرف مقابل و سپس آغاز مذاکره جهت دستیابی به اهداف سیاسی از سیاست های جنگ اسرائیل در طول ۶۰ سال گذشته بوده است. اما استفاده از جنگ نامتقارن علیه استراتژی سلطه سریع رژیم صهیونیستی توسط حزب الله لبنان توانیست پنجمین ارتش قدرتمند دنیا را

با تمامی تجهیزات پیشرفته در هم بکوبد.

رژیم صهیونیستی بنا بود در این جنگ طبق عملیات باران های تابستانی ظرف یک هفته کار حزب الله را تمام کند اما سرنوشت جنگ به گونه ای دیگر رقم خورد.

د. ویژگی های جنگ ۳۳ روزه و پیروزی حزب الله

همانطور که قبلا اشاره شد رویکرد نامتقارن ویژگی های خاص خود را داشته و جنگ حزب الله و رژیم صهیونیستی با این رویکرد مطابقت دارد و اثراتی که این جنگ در سطوح مختلف بر دو طرف متخاصم بر جا ماند. ویژگی های خاص خود را دارد که به آن می پردازیم.

۱. اولین ویژگی مهم جنگ نامتقارن حزب الله علیه اسرائیل استفاده از اصل غافلگیری است . غفلت یک طرف متخاصم سبب استفاده از اصل غافلگیری طرف دیگر می شود. ابتدا حزب الله با حمله به نیروهای اسرائیلی در روز ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ در آغاز عملیات نسبت به اسرائیل پیش دستی کرد این پیش دستی ، ارتش اسرائیل را که از ماه ها قبل تهاجم به لبنان و حزب الله را طراحی کرده بود کاملا غافلگیر کرد اقدامش یک شوک و بهت شدیدی بر ارتش اسرائیل وارد نمود.

یک مقام ارشد نظامی رژیم صهیونیستی در گفتگو با هاآرتص در رابطه با غفلت این رژیم در مورد حزب الله می گوید : « پس از عقب نشینی ارتش ما از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ فرصت طلایی ۶ ساله ای در اختیار نیروی حزب الله گذاشتیم و از آن غافل شدیم تا با فراغ بال ، استحکامات و تجهیزات نظامی پیشرفته خود را در این منطقه سوق الجیشی (جنوب لبنان) ، مستقر نماید و اینک آن به دژی تسخیر ناپذیر تبدیل شده است.

۲. دومین ویژگی جنگ نامتقارن حزب الله علیه

رژیم صهیونیستی از بین بردن اراده دشمن برای ادامه جنگ بود. جنگ فرسایشی در عملیات نامتقارن به مانند خرید وقت و زمان ، به منظور ضربه زدن به دشمن در فرصت های مناسب است و همین امر سبب گردید تا رژیم صهیونیستی در جایگاه ، زمان و اهداف جنگ سیطره نداشته باشد و عملیات برق آسا و استراتژی ضربه اول با ناکامی روبرو گردید.

پس از پایان دو هفته از جنگ ۳۳ روزه در هفته سوم وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به صراحت اعلام کرد که ما توان مقابله با حزب الله را نداریم. جنگ فرسایشی حزب الله علیه این رژیم توانست توان ارتش را به تحلیل ببرد.

۳. سومین ویژگی استفاده از « دفاع متحرک همه جانبه » حزب الله علیه ارتش رژیم صهیونیستی است. با توجه به نامتقارن بودن این جنگ ، حزب الله از لحاظ استعداد نیروی نظامی نسبت به ارتش اسرائیل در اقلیت به سر می برد.

اصل تحرک ، حزب الله را قادر ساخت که کمبود نیروی نظامی خود را جبران نماید و با فشار بر نقاط ضعف و آسیب پذیر اسرائیل حریف قوی خود را به زمین بزند.

حزب الله با این توانایی محدود خود در نیروی انسانی و با استفاده از دفاع متحرک در قالب جنگ چریکی و ضربات برق آسا و نامرئی توانست عملکردی از خود بروز دهد که در طول تاریخ جنگ رژیم صهیونیستی بی سابقه بوده است.

۴. استفاده از جنگ روانی علیه رژیم صهیونیستی توسط حزب الله در این جنگ نامتقارن در طول ۳۳ روز جنگ مشهود بود. به قول یکی از استراتژیست های غرب « این جنگ نسل چهارم جنگ های نامتقارن بوده است. »

تمایل شهادت طلبانه و ایثارگری، هدفمند بودن انگیزه رزمندگان حزب الله در بعد درونی پیروزی را برای آنان در برابر روحیه پایین ارتش اسرائیل به ارمغان آورد. تعهد انسانی، ایمانی و اخلاقی رزمندگان حزب الله سبب بیرون راندن اشغالگران صهیونیست گردید. آزاد کردن اسراء لبنان، حفظ جان و مال مردم لبنان و در هدف کلان آزادی قدس شریف از دست صهیونیست های اشغالگر است.

منابع پزشکی رژیم صهیونیستی اعلام کردند که ۲۴۵ نظامی اسرائیلی بر اثر صدمه روحی جنگ علیه لبنان در تابستان ۱۳۸۵ گذشته دچار بیماری روانی شدند. که این حاکی از بی انگیزگی ارتش اسرائیل در جنگ با حزب الله بوده است و همین امر، شکست روانی ارتش اسرائیل را به همراه داشته است.

۵. یکی از مهمترین ویژگی های جنگ ۳۳ روزه که آن را از سایر جنگ های چریکی و کلاسیک متمایز می سازد، کسب، حفاظت و ضد اطلاعات نظامی از سوی حزب الله می باشد. سیستم اطلاعاتی و ضد جاسوسی پیشرفته و پیچیده، حزب الله را قادر ساخت در عین حفظ اسرار نظامی خود، اطلاعات فوق سری را از ارتش و اهداف اسرائیل به دست آورد؛ به نحوی که یکی از دلایل ناکامی ارتش اسرائیل را عدم اطلاعات دقیق و کافی از تجهیزات، تسلیحات، مهارت های جنگی و رزمی نیروهای حزب الله از یک سو و دسترسی حزب الله به اطلاعات فوق سری ارتش اسرائیل از سوی دیگر می دانند.

به نحوی که در حال حاضر استفاده از موبایل در ارتش اسرائیل ممنوع شده است (۱۱) و این نشان از قدرت اطلاعاتی حزب الله می باشد.

در مورد

قدرت اطلاعاتی حزب الله می توان اشاره کرد که حزب الله به دور از سیستم اطلاعاتی اسرائیل پیش از وقوع جنگ در یک زمان مناسب موفق شده بود که تونل هائی را در عمق خاک اسرائیل و لبنان حفر کند به نحوی که در این تونل ها از برد تخریبی بمب های خوشه ای اسرائیل بیشتر بود. در نتیجه جنگجویان حزب الله در زمان جنگ ۳۳ روزه در مناطق امن قرار داشتند از طرفی دیگر نیروهای مهاجم در معرض دید رزمندگان حزب الله قرار داشته اند.

در مورد حفاظت اطلاعات و ارزش جنگی چریکی و نامتقارن علیه اسرائیل ، سید حسن نصرالله به مناسبت هفتمین سالگرد مقاومت و عقب نشینی ارتش اشغالگر از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ می گوید : « درست است که ما عاشق شهادت هستیم ، اما درست نیست که خود را در معرض نابودی قرار دهیم ، اگر عملیاتی را می توان با دو شهید انجام داد نباید در آن عملیات سه نفر کشته شوند. » (۱۲)

این نشان از اهمیت حفاظت اطلاعات در میان رزمندگان حزب الله لبنان و دبیر کل این حزب سید حسن نصرالله می باشد. چرا که با رعایت حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی از تلاقات نیروی نظامی در جنگ می کاهد.

مطابق آمار تایید شده حزب الله در این جنگ ۷۴ شهید از میان جنگجویان خود تقدیم کرد در مقابل اسرائیل ۱۱۷ سرباز و افسر عالیرتبه کشته داد که در طول جنگ های رژیم صهیونیستی این آمار بی سابقه بوده است. (۱۳) در حالی که در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ ارتش رژیم صهیونیستی فقط ۱۶ کشته داد. (۱۴)

۶ ویژگی دیگر این جنگ استفاده از ضربات از راه دور

سریع و مهلك بر ارتش اسرائیل و ساختار اقتصادی و جمعیتی این رژیم اشغالگر ، توسط حزب الله لبنان بوده است.

استفاده از حملات موشکی با دقت بالا از عناصر پیشرفته در جنگ های نامتقارن است. حزب الله بیش از ۲۵۰۰ موشک به شهرهای شمالی اسرائیل و تاسیسات اقتصادی و نظامی فرود آورد. از طرفی در نبرد نزدیک به موشک های دست ساز و کوتاه برد ۳۰ دستگاه تانک ضد گلوله « مرکاوا » و چندین دستگاه بلدوزر نظامی ارتش رژیم صهیونیستی منهدم شد. (۱۵)

حزب الله با استفاده از این تاکتیک پیچیده و موثر توانست در جنگ زمینی ارتش اسرائیل خصوصا تیپ ویژه « گولانی » را در مثلث مارون الراس ، نبت ، الجلیل و عبترون زمین گیر کند و آنان را مجبور به عقب نشینی از خاک لبنان نماید. (۱۶)

نتیجه گیری

اصولا ارتش های دنیا و کلاسیک با فرمول های نظامی معین و مشخصی کار می کنند و برای هر موقعیت جنگی فرمولی ثابت و روشن دارند که خارج از آن عمل نمی کنند. در طی سه دهه اخیر موضوع جنگ های پارتیزانی ، نامنظم و نامتقارن از موضوع های داغ و در عین حال خاص مورد بحث قرار گرفته است.

همسایگان فلسطین اشغالی در طی ۶۰ سال گذشته همواره مورد تهدید ارتش کلاسیک رژیم صهیونیستی بودند و لبنان نیز از این مورد بی نصیب نبوده است. حزب الله لبنان یک حزب شناخته شده لبنانی در طول ۳۰ سال گذشته در جنوب این کشور است که دارای فعالیت های مختلف سیاسی ، فرهنگی و نظامی بوده است.

حزب الله لبنان پس از عقب نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی توانست خود را در لبنان به

عنوان یک حزب شیعی - اسلامی ملی معرفی نماید و به فعالیت های خود ادامه دهد. پس از عملیات « باران های تابستانی » اسرائیل به نوار غزه و سپس ربودن دوسرباز اسرائیلی توسط حزب الله رژیم صهیونیستی حملات همه جانبه خود را بر جنوب لبنان انجام داد و برای اولین بار دو طرف از کنترل خارج شده و خارج از مرزهای خود در یک نبردی سنگین با یکدیگر روبرو شدند و در طی ۳۳ روز حزب الله توانست شکست سنگینی بر رژیم صهیونیستی تحمیل کند و به قول « اوبگیدور لیبرمن » وزیر مقابله با تهدیدات استراتژیک کابینه ایهود المرت ، شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه یک شکست استراتژیک بود که در ابعاد سیاسی ، روانی ، اقتصادی و نظامی اسرائیل را با شکست روبرو کرد و ساختار تهاجمی ارتش را متزلزل ساخت. (۱۷)

این برای اولین بار در طول تاریخ موجودیت اسرائیل بود که موشک های فراوانی به اعمال خاک اسرائیل شلیک شد که خساراتی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بر اقتصاد اسرائیل وارد کرد و حیفا ، بندر تجاری اقتصادی رژیم صهیونیستی ، را به شهر مردگان تبدیل کرد. (۱۸)

حزب الله با جنگ نامتقارن توانست صهیونیست را به ذلت و خواری بکشد و در میان جنبش های اسلامی الگوی مناسبی برای دولت های عرب منطقه باشد.

افکار عمومی در جنگ ۳۳ روزه لبنان

فرایند شکل گیری و تحول آن

احمد باصری

افکار عمومی در جنگ ۳۳ روزه لبنان ، فرایند شکل گیری و تحول آن احمد باصری چکیده رژیم صهیونیستی به بهانه اسارت دو سربازش به دست حزب الله با هدف خلع سلاح مقاومت و برهم زدن نظم و آرایش نظامی حزب الله و خلع سلاح مقاومت اسلامی و بازسازی اقتدار

از دست رفته خود پس از عقب نشینی سال ۲۰۰۰ با همه توان به مردم بی دفاع لبنان حمله کرد. در طی این حملات، کارشناسان عملیات روانی رژیم صهیونیستی به توجیه و قانونی جلوه دادن این جنگ پرداختند و تلاش کردند جریان جنگ و درگیری را به گونه ای به تصویر بکشند که در آن رژیم صهیونیستی در نقش چهره ای که با اکراه و بی میلی درگیر جنگ شده است، نمایان شود. دستگاه تبلیغاتی امریکا و رژیم صهیونیستی در این عملیات در پی زیر سؤال بردن مشروعیت مقاومت اسلامی و رویگردانی افکار عمومی از حزب الله و زمینه سازی برای اعمال فشار سیاسی به جمهوری اسلامی ایران بودند، چنانچه در روزهای نخست جنگ ۳۳ روزه توفیقاتی نیز به دست آوردند، اما حزب الله به دلیل استراتژی مردمی خود و با به کارگیری جنگ رسانه ای و استفاده از کلام پرنفوذ دبیرکل خود سیدحسن نصرالله و سخنرانی ها و پیام های تأثیرگذار او که از طریق شبکه های تلویزیونی العالم، العربیه و الجزیره پخش می شد، توانست فضای سیاسی و روانی را به نفع خود تغییر دهد، به نحوی که پس از طی روزهای اول جنگ مردم لبنان تقریباً یکپارچه از حزب الله حمایت کردند تا جایی که همه گزارش های رسانه های جمعی امریکا حاکی از حمایت های مردم لبنان از حزب الله بود. بنا به اعتراف این منابع ۸۳ درصد مسیحیان لبنان هم از حزب الله حمایت کردند. هدف این مقاله واکاوی روند شکل گیری افکار عمومی در دو سوی میدان نبرد در جنگ ۳۳ روزه است. واژگان کلیدی: جنگ ۳۳ روزه، لبنان، افکار عمومی، عملیات روانی، حزب الله. مقدمه در سال ۱۹۴۸ میلادی پس از

شکل گیری حکومت صهیونیستی ارتش این دولت بخش هایی از جنوب لبنان را به تصرف خود درآورد و همچنان تا یک سال این بخش ها را در اشغال داشت تا اینکه در سال ۱۹۴۹ در اثر فشارهای دیپلماتیک منطقه ای و فرامنطقه ای برخی از دولت های جهان ، قرارداد متارکه بین این رژیم و دولت لبنان منعقد شد. اما این رژیم به این قرارداد وفاداری نشان نداد و همچنان نیروهای خود را در جنوب لبنان حفظ کرد و روند اشغالگری آن رژیم ۱۹ سال ادامه پیدا کرد تا در سال ۱۹۶۷ بخش های دیگری از جنوب لبنان نیز به محاصره ارتش صهیونیستی درآمد. دهه ۱۹۷۰ را می توان مقطعی دیگر در تاریخ سیاسی - امنیتی لبنان نام برد. کشمکش اعراب و اسرائیل و تداوم جنگ داخلی لبنان (۱۹۹۰ تا ۱۹۷۵) بحران خاورمیانه را به اوج خود رسانده بود. عملیات صلح برای الجلیل (۱۹۸۲) ، عملیات لیطانی (۱۹۷۸) ، عملیات تسویه حساب (۱۹۹۳) ، عملیات نظامی خوشه های خشم (۱۹۹۶) از سری عملیات نظامی ای بود که ارتش رژیم صهیونیستی در لبنان به اجرا درآورد و معروف ترین و بزرگ ترین عملیا ، عملیات لیطانی بود ، بنیامین نتانیوهو نخست وزیر پیشین تل آویو طرح و نقشه آن را آماده کرده بود و نیروی زمینی ، هوایی و دریایی این رژیم به صورت گسترده ای در آن شرکت داشتند. با اجرای عملیات لیطانی بخش هایی از جنوب لبنان به اشغال ارتش صهیونیستی درآمد و بیروت حدود ۳ ماه در محاصره کامل نیروهای رژیم اشغالگر قدس بود. این حملات با حمایت مستقیم نظامی ایالات متحده ، انگلیس و فرانسه صورت گرفت. اهداف

این عملیات برای تحلیلگران مسائل منطقه ای بسیار آشکار و روشن بود، زیرا دولت رژیم اشغالگر قدس برای تثبیت هرچه بیشتر خود باید با حملات نظامی شرایط سیاسی و امنیتی را تغییر می داد. عقب راندن چریک های فلسطینی تا فاصله موردنظر از مرز لبنان و فلسطین، انهدام ساختار نظامی سازمان آزادی بخش، تقلیل قدرت نظامی و سیاسی سوریه در لبنان و در نهایت ایجاد تحولات بنیادین سیاسی در کشور (روی کار آوردن یک رئیس جمهور مسیحی طرفدار خود) همگی از اهدافی بود که تل آویو در عملیات لیطانی در سال ۱۹۷۸ مدنظر داشت. بی تردید تجاوز پی در پی نیروهای این رژیم به خاک لبنان نیازمند واکنش سریع نظامی - سیاسی بود. اما در آن سال ها که جامعه شیعیان جنوب لبنان سخت دچار تشتت و چندگانگی بود تنها اندیشه مقاومت در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی باعث می شد که آحاد جامعه، از نظر سیاسی و نظامی بسیج شوند. نخستین جرقه های مقاومت توسط گروه هایی شیعی در شهر بعلبک به وجود آمد و آرام آرام به سوی تشکیلات قدرتمند واحدی حرکت کرد. تشکل هایی با ایدئولوژی آرمانگرایانه اسلامی مجموعه واحدی را به وجود آورد و بستر مناسبی را برای شکل گیری حزب الله لبنان فراهم کرد. چند روز پس از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی عده ای جوانان شیعه توانستند با اسلحه های سبک دروازه جنوبی شهر استراتژیک بیروت را بر روی نیروهای این رژیم ببندند. در آن برهه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران توانسته بود در نهاد مقاومت ملت لبنان تأثیر زیادی بگذارد، جوانانی که پیرو امام خمینی (ره) بودند اعلام کردند که این نهضت اسلامی ایران که انرژی مقاومت آنها را

افزایش می دهد. (روژه گارودی، ۱۳۷۷) تا قبل از اینکه رژیم صهیونیستی جنوب لبنان را به اشغال خود درآورد وجود اندیشه طایفه گرایانه و تنش های قومی و مذهبی چالش هایی بود که جامعه لبنان با آن روبه رو شده بود. در این میان موجی از ایدئولوژی که هدفش تحمیل حاکمیت فکری خود به برخی از توده های جامعه و روند تجددگرایی و گرایش به لائیک شدن بود. در این حالت خطرناک نمی توان از تلاش های مستمر شخصیت های بزرگی چون امام موسی صدر، شهید سیدعباس موسوی، شهید شیخ راغب حرب و سیدحسن نصرالله و... صرف نظر کرد، این افراد انگیزه ظهور اندیشه مقاومت اسلامی را در مردم بیدار کردند. در آن زمان که افراد برجسته ای مانند امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران به دلیل چرخش ایدئولوژیکی برخی از اعضای جنبش امل به سوی حرکت سیاسی لائیک - که این اتفاق بعدها به زیان این جنبش تمام شد - از بدنه جنبش امل جدا شدند. بسیاری از جوانان که تا قبل از آن به جنبش امل پیوسته بودند راه امام موسی صدر و شهید چمران را ادامه دادند، این امر باعث تعادل امل و نیروهای آن به صورتی عجیب به هم بریزد. به هر حال جنبش نوپای حزب الله لبنان روز به روز از لحاظ سیاسی و نظامی موفق تر عمل می کرد. مجموعه ای از جوانان شیعی با الگو قراردادن مبارزاتی ایرانی که رژیم پهلوی را سرنگون کردند و بعد از پیروزی انقلاب دوباره در جنگ تحمیلی در طول ۸ سال دفاع مقدس حماسه های بزرگ آفریدند، هم دوش برادران مسلمان خود در ایران با دژخیمان صهیونیسم مبارزه می کردند.

سال های اولیه که تشکیلات و سازماندهی حزب الله و مقاومت (نظامیان) در حال شکل گیری و تثبیت خود بود ، گروه سیاسی این حزب ترجیح می داد که فعالیت هایشان را مخفیانه انجام دهند تا دشمنان نتوانند به جنبش نوپای حزب الله آسیب برسانند. این روند زمان زیادی طول نکشید زیرا در درون بدنه جنبش ، افراد و شخصیت های کارزمایی وجود داشت که از مناظر ایدئولوژی سیاسی در سطح بالایی بودند و در همان زمان شیعیان لبنان نیازمند تزریق اندیشه های سیاسی منطقی این افراد بودند. از این رو در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ جنبش مقاومت اسلامی لبنان با صدور بیانیه ای موجودیت سیاسی و نظامی خود را اعلام کرد و از آن زمان به بعد به شکل مستقل و رسمی به فعالیت های نظامی و سیاسی خود ادامه داد. (اسداللهی ، ۱۳۸۲) «

شیخ نعیم قاسم » قائم مقام دبیرکل حزب الله (نعیم قاسم ، ۱۸۳) اهداف جنبش حزب الله را به سه قسمت تقسیم می کند : ۱. اسلام به عنوان شیوه کامل ، فراگیر و شایسته برای زندگی بهتر و پایه فکری ، عقیدتی ، ایمانی و عملی که تشکیلات موردنظر براساس آن ایجاد شود. ۲. مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی ، به عنوان خطر جاری و آینده که به دلیل آثار مخربی که بر لبنان و منطقه می گذارد ، باید در اولویت قرار گیرد و نیازمند ایجاد ساختار جهادی و مبارزاتی و به کارگیری همه امکانات لازم برای انجام مأموریت و وظایف آن است. ۳. رهبری شرعی ولی فقیه به عنوان جانشین پیامبر (ص) و امامان (ع) که خطوط کلی فعالیت ها را برای امت

ترسیم می کند و امر و نهی او نافذ است. حزب الله همزمان با مبارزات سیاسی و نظامی ، برای انتقال مواضع شفاف ایدئولوژیکی خود به افکار عمومی منطقه و جهان ، شبکه تلویزیونی المنار ، رادیو النور و هفته نامه العهد و... را راه اندازی کردند. موفقیت حزب الله در عرصه رسانه ای به حدی بود که کارشناسان امور منطقه معتقدند که در مقطعی که رژیم صهیونیستی به صورت ناگهانی (۴۵ روز زودتر از موعد مقرر ، ۲۴/می/۲۰۰۰) از جنوب لبنان عقب نشینی کرد ، بر اثر فشار رسانه ای حزب الله بود که تأثیرات زیادی بر افکار عمومی منطقه ، جهان عرب و حتی برخی از سیاست مداران رژیم اشغال گر قدس گذاشته بود. امروزه حزب الله با برخورداری از ارتباطات قوی مردمی در لبنان ، بازیگر قدرتمندی محسوب می شود که اعتبار فراوان داخلی و بین المللی دارد و استراتژی های این جنبش مورد قبول بخش مهمی از افکار عمومی لبنان است. در عرصه های اجتماعی و سیاسی نظیر انتخابات شهر ، روستا و پارلمان لبنان موفقیت های چشمگیری به دست آورده است. از طرف دیگر حزب الله از زمان زمامداری امیل لحود رابه خود را با دولت بهبود بخشیده و امروزه به عنوان یک نیروی اثربخش در منطقه اعمال قدرت می کند. در این مقاله ویژگی ها و فرایند شکل گیری افکار عمومی ، زمینه های بروز و اهداف ۳۳ روزه ، عملکرد نظامی و به طور ویژه اقدامات عملیات روانی حزب الله و رژیم صهیونیستی را در مدیریت و راهبردی افکار عمومی مردم لبنان و منطقه بحث و بررسی شده است. زمینه های بروز جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۰ ، پس از ۱۸ سال حضور نیروهای رژیم صهیونیستی در لبنان ، ارتش این رژیم مجبور به

خروجی از لبنان شد. این پیروزی ملت لبنان در سال ۱۹۸۴ با بازگشت اسیران لبنانی رنگ و بوی دیگری به خود گرفت (هرچند همه اسیران آزاد نشده بودند). به دنبال صدور قطعنامه ۱۵۵۹ (شورای امنیت سازمان ملل متحد - که بر خلع سلاح حزب الله تأکید داشت) در همان روزی که گفته می شد توافقی مهم و مشروط در این زمینه میان نخست وزیر لبنان و حزب الله (مبنی بر تغییر کسوت نظامی حزب الله از میلیشیای محلی به ارتش ملی پس از تخلیه مزارع شبعا به وسیله نیروهای رژیم صهیونیستی صورت گرفته بود ، رفیق حریری ترور شد. در همین زمان با ابتکار سیاسی حزب الله میتینگی ۵/۱ میلیون نفری در قلب بیروت و در حمایت از یکپارچگی ملی لبنانی ها برگزار شد. این میتینگ توانست آثار منفی این ترور مبهم و مشکوک ، را خنثی و قسمت اعظم نقشه توطئه گران را نقش بر آب کند. از سوی دیگر شکسته شدن آتش بس ۶ ماهه بین حماس و حزب الله با رژیم صهیونیستی ، سواحل غزه آماج موشک باران ناوچه های این رژیم قرار گرفت و غیرنظامیان زیادی در این حادثه جان باختند. این حادثه تلافی نیروهای حماس در به اسارت گرفتن یک سرباز این رژیم را در پی داشت و سپس ارتش صهیونیستی با یورش گسترده به دولت منتخب فلسطینی تعداد زیادی از وزیران و سیاستمداران دولت حماس را به اسارت گرفت و دفتر نخست وزیر دولت منتخب را منفجر کرد. پس از بروز این رخدادها ، حزب الله لبنان ، به دنبال ناکامی از بازپس گیری بقیه اسیرانش در سال ۲۰۰۴ در ۶ ژووم ۲۰۰۶ طی عملیاتی محدود با عبور از

موانع مرزی، دو سرباز این رژیم را اسیر کرد. اسارت سربازان رژیم صهیونیستی پیش از آنکه نشان دهنده پیروزی جناح های فلسطینی یا لبنانی باشد، شرمندگی دولت رژیم اشغالگر قدس را به دنبال داشت و این آغازی برای درگیری های چندجانبه رژیم اشغالگر قدس با نیروهای حزب الله - و با ملت لبنان - در مرز، شهرها، و روستاها و پناه گاه ها شد. اهداف رژیم صهیونیستی از جنگ اهداف رژیم صهیونیستی را می توان در دو قالب نظامی و روانی دسته بندی کرد. اهداف روانی جنگ ۳۳ روزه عبارت بود از: خلع سلاح مقاومت، تلاش برای ترور سران حزب الله و عملیات روانی برای تخریب حزب الله و رهبری آن. اهداف نظامی جنگ ۳۳ روزه عبارت بود از: برهم زدن نظم و آرایش نظامی حزب الله لبنان، تأمین امنیت مناطق شمالی فلسطین با خارج کردن آنها از تیررس حزب الله، خلع سلاح مقاومت اسلامی و بازسازی اقتدار از دست رفته رژیم اشغال گر قدس پس از عقب نشینی سال ۲۰۰۰، همچنین تهاجم به لبنان و اشغال جنوب این کشور تا حد فاصل رودخانه لیطانی، با هدف مبارزه علیه حزب الله، بهره گیری از افکار عمومی برای خلع سلاح حزب الله، مرعوب نمودن دولت لبنان و ایجاد روی گردانی افکار عمومی نسبت به حزب الله انجام گرفت. اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ رژیم صهیونیستی در این مرحله با محاصره دریایی لبنان، یورش هوایی و گلوله باران مناطق حساس لبنان، عملیات خود را به صورت گسترده آغاز کرد: - ۱۶۰۰ سورتی پرواز بر فراز لبنان تا پایان روز ششم - بمباران تأسیسات زیربنایی و حیاتی نظیر آب، برق و گاز

- انهدام پل ها و گلوله باران راه های مواصلاتی - بمباران کور و کشتار وحشیانه مردم نظیر حادثه قانا اقدامات نظامی حزب الله - شلیک ۱۴۰۰ موشک به شهرهای شمالی اراضی اشغالی - شلیک ۸۰۰۰ خمپاره به شهرک های صهیونیست نشین - به تعطیلی کشاندن بزرگ ترین بندر این رژیم (حيفا) با شلیک حدود ۱۰۰ موشک - موشک باران کشتی های جنگی رژیم اشغال گر قدس در آبهای ساحلی لبنان - انهدام حدود ۱۲۴ دستگاه تانک فوق پیشرفته « میرکاوا » - انهدام ناوچه فوق پیشرفته « ساغر » که این عملیات ناوگان دریای رژیم اشغال گر قدس را وادار به عقب نشینی کرد. این عملیات به ارتش رژیم صهیونیستی این پیام را داد که از اندیشیدن به عملیات آبی - خاکی و سرپل گیری صرف نظر کند. عملیات روانی در جنگ ۳۳ روزه عملیات روانی فعالیتی نرم افزاری که با هدف از بین بردن امید مخاطبان بی اعتماد نسبت به رهبران ، شکاف در بین جامعه مخاطب و دارلبد۰۹ + ویژگی های افکار عمومی در عصر ارتباطات با گسترش رسانه های همگانی و شبکه ای شدن جهان و همچنین باسوادتر عامه مردم ، نیروی تازه ای با عنوان افکار عمومی پایه به صحنه گذاشته است. این نیروی تازه که تجلی اراده مردم و خواست آنها است. در تمام جهان در شکل دادن به حوادث و رخدادهای سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می کند. امروزه برای هرگونه اقدام خشونت آمیز و استفاده از قوه قهریه لازم است ابتدا افکار عمومی را قانع کرد و تحت تأثیر قرار داد تا امکان حمله و استفاده از توان فیزیکی فراهم شود. هرچند ابرقدرت ها دارای توانایی فیزیکی ، تکنولوژی و ابزارهای پیچیده و دقیقی هستند

اما یکی از مشکلات آنها همراه و قانع کردن افکار عمومی دنیا و ملت های خودشان است و اگر خوب نتوانند این زمینه را فراهم کنند ضمن مخالفت های که در جامعه آنها به وجود خواهد آمد ، موانع و مشکلاتی در اجرای اهداف آنها وجود دارد و امروزه تسلط بر فکر و اندیشه یک جامعه می تواند تأثیر به سزایی در برنامه های سیاسی و نظامی داشته باشد. برای شناسایی بهتر کارکردهای افکار عمومی می بایست به مطالعه ویژگی های آن پرداخته شود. ۱. آشکار بودن (آشکار بودن افکار مستلزم شرکت افراد در تظاهرات جمعی و حضور آنها در کنار هم و برقراری رابطه بین آنهاست) . ۲. آگاهانه و هوشیارانه بودن (آگاهی مردم به وجود افکار عمومی گویای اراده آنها در پیوستن به صنوف دیگران و برقراری ارتباط با آنهاست) . ۳. از وسعت کافی برخوردار بودن (وسعت پدیده نشانه جمعی بودن آن و در نتیجه رابطه اجتماعی است) . افکار عمومی ، به طور عمده محصول دوران روشنگری است. این اندیشه با فلسفه های سیاسی لیبرالی اواخر قرون هفدهم و هیجدهم (لاک و روسو) و به ویژه تئوری دمکراتیک قرن نوزدهم تلفیق شده است (پراسیس ۱۳۸۲ ص ۲۱) . در فلسفه اجتماعی ، هابز اندیشه افکار عمومی را رواج داد ، او اعتقاد داشت که نظر بر جهان حکومت می کند. ویلیام تمپل نظر را مانعی در راه اقتدار سیاسی می دانست و معتقد بود : « نظر پایه و اساس هر حکومتی را تشکیل می دهد. ادغام واژه های عمومی و افکار در یک ترکیب مفهومی دارای اهمیت سیاسی به معنای امروزی فقط در فلسفه های دمکراتیک و

لیبرال از سال ۱۷۰۰ به بعد پدیدار شد. (پراسیس ۱۳۸۲، ص ۲۲) افکار عمومی، پدیده‌ای روانی-اجتماعی و جمعی است و عبارت است از: ارزیابی، روش و نظر مشترک گروهی اجتماعی در مسئله‌ای که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه معینی، بین عده زیادی از افراد و اقشار گوناگون جامعه نسبتاً عمومیت می‌یابد و عامه مردم آن را می‌پذیرند. افکار عمومی به صورت تأیید یا مخالفت با یک عمل، نظر، شخص و واقعه با خواسته، مطالبه، پیشنهاد و توصیه تجلی می‌یابد. (مهرآرا ۱۳۷۲، ص ۳۷۱) باید توجه داشت، بسیاری از محققان افکار عمومی، فعالیت‌های خود را به عرصه‌های محدودی از افکار عمومی منحصر می‌کنند. آنها عقایدی را به مثابه افکار عمومی می‌دانند که به مسائل مهم سیاست عمومی یک کشور مربوط می‌شود. این تأکید از این اعتقاد ناشی می‌شود که افکار عمومی باید تعیین‌کننده سیاست عمومی یک کشور باشد. آنان با این عقیده طیفی از عقاید را که ارتباط انکارناپذیری با مسائل سیاسی دارند، جدا می‌کنند (جونین ۱۳۶۵، ص ۳۹). با توجه به این تعاریف یکی از اشکال بارز افکار عمومی را می‌توان در جنگ ۳۳ روزه ملاحظه کرد که براساس مراحل هفت‌گانه زیر شکل گرفته است: ۱. پیدایش آگاهی: در این مرحله مردم از وجود موضوعی آگاه می‌شوند. اما سریع نسبت به آن واکنش نشان نمی‌دهند. مانند آگاهی مردم لبنان و فلسطین اشغالی از به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی. ۲. فوریت بیشتر، با شروع حمله همه‌جانبه رژیم صهیونیستی مردم فوریت

و ضرورت مسئله را حس می کنند ، نظر غالب در این مرحله ، درخواست مصرا نه برای اقدام است. ۳. دستیابی به راه حل : در این مرحله مردم ، در ابهامی عمومی به سر برده و بدون توجه به پیچیدگی موضوع به دنبال سرنخ هایی برای حل ابهامات ذهنی خود هستند. توجه مردم بیشتر به راه حل هایی معطوف می شود که کارشناسان یا سیاستمداران با زیرکی آنها را ارائه می کنند. از دیدگاه سالک (۱۳۷۸ ، ص ۷) چون مردم راه حل های ارائه شده را به خوبی درک نمی کنند می توان مرحله سوم را دوران صحنه گذاشتن نادرست بر راه حل عمومی نامید ، یعنی مردم از پیشنهادهای ارائه شده حمایت می کنند ، اما به محض مشخص شدن هزینه هایی که باید بابت این موضوع بپردازند. از موضع خود عقب نشینی می کنند سردرگمی افکار عمومی در روزهای آغاز جنگ را می توان نشانی برای این مرحله ارزیابی کرد. ۴. فکر خام : در این مرحله مقاومت مردم در مواجهه با راه حل های مسئله و پیامدهای این راه حل ها ظاهر می شود. این مرحله را می توان در روزهای پنجم و ششم جنگ ملا-حظه کرد. در این روزها افکار عمومی در لبنان به نفع حزب الله تغییر جهت داد. و از بین مجموع راه حل هایی که برای مواجهه با جنگ پیشنهاد می شد ، گرایش به دیدگاه های حزب الله بیشتر شد. ۵. ارزیابی نظرات : در این مرحله مردم دست به انتخاب می زنند ، و از بین راه حل های ممکن در مواجهه به مسئله به این نتیجه می رسند که راه حل های آسان و کم هزینه ، احتمالاً کارایی نخواهد داشت ، وقتی مردم به موضوع خاص و راه حل های پیشنهادی توجه زیادی نشان می دهند ، سرسختانه بردیدگاه خود پافشاری می کنند.

شاید یکی از دلایل ماندگاری مردم جنوب لبنان در شهرها و روستاهای خود زیر فشار شدید حملات هوایی و زمینی رژیم صهیونیستی را، بتوان نتیجه دستیابی مردم به این مرحله ارزیابی کرد. ۶. موضع گیری هوشمندانه: در این مرحله مردم ایده ای را قبول می کنند اما معمولاً در مورد آن کاری انجام نمی دهند، تا به مرحله هفتم برسند. ۷. قضاوت مسئولانه از لحاظ اخلاقی و احساسی: مرحله اجرای افکار عمومی همان قضاوت اخلاقی و احساسی است. در این مرحله مردم خود را با موقعیت های گوناگون هماهنگ می کنند، دیدگاه و رفتارشان را تغییر می دهند و با احساسات دوگانه خود روبه رو می شوند، به تعبیری مرحله هفتم مرحله پیدا کردن چاره کار است. (سالک ۱۳۷۸ ص ۸) یکی از توانمندی های نرم حزب الله را می توان در هدایت مردم لبنان در روزهای بیستم به بعد جنگ دانست، شواهد امر نشان می دهد که در آن روزها مردم لبنان اعم از شیعیان، اهل سنت و حتی مارونی ها به این مرحله رسیدند، و رژیم صهیونیستی را سبب واقعی همه مشکلات خود ارزیابی می کردند. برای شکل گیری افکار عمومی دو اصل یا عامل باید با هم جمع شوند. ۱. موضوع یا مشکلی خاص وجود داشته باشد. ۲. توجه عمومی حول و حوش آن موضوع شکل گیرد. رسانه های جمعی یکی از ابزارهای اصلی شکل دهی افکار عمومی اند، امروز رسانه ها توان ایجاد عقاید عمومی را بین همگان دارند. اما نکته مهم اثربخشی رسانه ها اعطای اعتبار اجتماعی رسانه به موضوع مورد نظر است و از دیدگاه مهرداد (۱۳۸۰ ص ۸۲) زمانی که رسانه های همگانی موضوع یا سوژه ای خاص را انعکاس می دهند،

در اصل بخشی از اعتبار اجتماعی خود را نیز به آن موضوع انتقال می دهند و مخاطب نیز اینگونه برداشت می کند که حتماً موضوع مطرح شده حائز اهمیت بوده که رسانه موردنظر آن را انعکاس داده است و اگر اهمیت نداشت ، هیچگاه در رسانه ها مطرح نمی شد. به این عمل رسانه های همگانی مرتن و لازرسفلد اعطای اعتبار اجتماعی رسانه به موضوع یا اعطای منزلت اجتماعی می گویند.

جنگ ۳۳ روزه و رسانه ها

رسانه های گوناگون تلاش می کردند افکار عمومی بین المللی و داخلی لبنان را به نفع خود شکل دهند ، در این نبرد حساس و سرنوشت ساز حزب الله نشان داد که از استعداد و توانمندی بالایی برخوردار است. در این نبرد رسانه ای ، رسانه های همگانی غربی و صهیونیستی ، تلاش می کردند بین موضوعات جنگ و منافع شخصی شهروندان رابطه ای نادرست ایجاد کنند تا افکار عمومی کاذب به نفع شبکه ها یا سیاست مداران حاکم بر آن شبکه ها ایجاد شود. نمونه بارز آن را می توان در ایجاد دشمنان خیالی در عملیات روانی مشاهده کرد. در اینگونه مواقع هیچ گونه دشمنی که بتواند تهدیدکننده باشد ، وجود ندارد ولی سیاستمداران و کارگزاران تبلیغاتی برای دسترسی به مقاصد خود که همانا دور کردن شهروندان از موضوعات مهم و اساسی است ، دشمنی ایجاد می کنند. عملیات روانی در جنگ ۳۳ روزه عملیات روانی فعالیتی نرم افزاری است که با هدف از بین بردن امید مخاطبان ، بی اعتمادی نسبت به رهبران ، شکاف در بین جامعه مخاطب و جنگ علیه عقل دشمن انجام می گیرد. (سلطانی فر ، ۱۳۸۲) صلاح نصر از نویسندگان مصری در تعریف عملیات روانی می گوید : عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است ، خواه به صورت مخفی ، آشکار

، شفاهی و یا کتبی باشد. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد می تواند به اعماق او نفوذ کند. (شیرازی ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۴) مهم ترین تاکتیک های عملیات روانی عبارت اند از : - سانسور (عبارت است از حذف عمدی موادی که جریان عبور آگاهی ها که امروزه بیشتر بمباران و هجمه خبری جایگزین آن شده است) . - تحریف (تغییر متن پیام به شیوه های گوناگون از جمله جرح و تعدیل . - پاره حقیقت گویی ، محک زدن ، ادعا به جای واقعیت ، اغراق ، ساختن یک یا چند دشمن فرضی ، تفرقه و شایعه ، ترور شخصیتی به جای ترور فیزیکی . تأکید اصلی این عملیات بر تفرقه و تقابل در خاورمیانه و لبنان است ، همچنان که « بن گورین » در خاطرات خود می نویسد : برای ایجاد نفاق در اتحاد اعراب و تصرف سرزمین لبنان : « پاشنل آشیل اتحاد اعراب ، لبنان است . تفوق مسلمانان در این کشور ، مصنوعی و به سادگی قابل سرنگونی است » . (گارودی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۳۸) محورهای عملیات روانی علیه حزب الله لبنان ۱. مرتبط ساختن عملیات مقاومت اسلامی لبنان علیه رژیم اشغالگر قدس با موضوع فناوری صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران . ۲. القای رویارویی ایران و رژیم اشغالگر قدس در این جنگ . ۳. متهم کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به طراحی عملیات ، حضور مستشاری و ارسال تجهیزات نظامی ۴. متهم کردن سوریه به دخالت در جنگ علیه رژیم صهیونیستی ۵. معرفی حزب الله به عنوان گروهی

ماجراجو و تروریست ۶. متهم کردن حزب الله به آغازگر جنگ به منظور تحقق منافع جمهوری اسلامی ایران. اهداف عملیات روانی در طی این دوره آنچه رژیم صهیونیستی و نیروهایش درگیر آن بودند، نه تنها یک جنگ گرم، بلکه جنگی تبلیغاتی بود. حتی اگر امکان صرف نظر و اغماض از تلفات غیرنظامیان لبنانی، تخریب تأسیسات زیربنایی و حتی بمباران تنها ایستگاه تلویزیونی متعلق به مسیحیان ضدحزب الله نیز وجود داشته باشد، شکی نیست که کارشناسان عملیات روانی رژیم صهیونیستی جز توجیه و قانونمند جلوه دادن این جنگ، راهی نداشتند. نکته اصلی اینجا است که تلاش می شد جریان جنگ و درگیری به گونه ای به تصویر کشیده شود که در آن رژیم صهیونیستی را چهره ای جلوه دهند که با اکراه و بی میلی درگیر جنگ شده است، بزرگنمایی شود. این ترفند در امریکا چندان پیچیده نیست: شبکه های خبری امریکا همواره به لابی قدرتمند رژیم صهیونیستی توجه داشته و به همین خاطر از ارایه تصاویر و انعکاس مطالبی که چهره به ظاهر موجه دولت صهیونیستی را مخد... یا آسیبی به آن وارد کند، شدیداً خودداری می کنند. حتی در حوزه های قابل بحث اگر کارشناس یا متخصصی برای مشاوره وجود داشته باشد، غالباً اسرائیلی است و این به اصطلاح کارشناسان صهیونیست را معمولاً سیاسی و وابسته به دولت لبنان معرفی می کنند. به هر ترتیب آنچه درخور توجه و تأمل به نظر می رسد، این است که در انعکاس رسانه ای جنگ ۳۳ روزه هیچ گاه به توازن طرفین درگیر اشاره ای نمی شد. به تعبیری دیگر، عملکرد و انعکاس رسانه ای همیشه و در همه حال در حمایت از رژیم صهیونیستی صورت

می گرفت. دستگاه تبلیغاتی امریکا و رژیم صهیونیستی در این عملیات روانی در پی دستیابی به اهداف زیر بودند : ۱. زیر سؤال بردن مشروعیت مقاومت اسلامی در لبنان ۲. رویگردانی افکار عمومی لبنان از حزب الله ۳. زمینه سازی برای اعمال فشار سیاسی به جمهوری اسلامی ایران ۴. ممانعت از همبستگی اعراب و حمایت آنان از مقاومت اسلامی لبنان ۵. کم رنگ جلوه دادن پیروزی های حزب الله لبنان ۶. توجیه کردن استیصال نظامی خود در برابر مقاومت اسلامی ۷. فعال کردن گسل های سیاسی لبنان علیه حزب الله ۸. متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به دخالت در امور داخلی کشورها ۹. بازسازی اقتدار نظامی ، امنیت روانی و وجهه بین المللی جامعه صهیونیستی ۱۰. سرپوش گذاردن و تحت الشعاع قرار دادن جنایات خود در حمله به غیرنظامیان در فلسطین و لبنان فرایند عملیات روانی رژیم صهیونیستی علاوه بر پوشش خبری وسیعی که از طریق خبرگزاری های گوناگون بین المللی به تحلیل های خود از جنگ داده بودند ، در این دوره رژیم صهیونیستی از طریق هواپیما اعلامیه های تخریبی که هدف آن دامن زدن به اختلافات لبنانی ها بود ، پخش می کردند. این اقدام باعث شده بود که برخی از گروه های سیاسی طوایف مختلف بدون در نظر گرفتن خطوط قرمز لبنان سعی کنند با مطرح کردن مسائل انحرافی کشور را از منظر سیاسی و امنیتی در وضعیت خطرناکی قرار دهند. عوامل خارجی سعی کردند با استناد به قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل دخالت های خود را قانونی جلوه دهند ، هرچند در آن موقع شخصیت های سیاسی مانند امیل لحود رئیس جمهور ، نبیه بری رئیس مجلس لبنان و رئیس جنبش امل ، میشل عون رئیس فراکسیون تغییر و اصلاحات و سیدحسن

نصرالله دبیرکل حزب الله خواهان وحدت و یکپارچگی در لبنان شده اند ، اما برخی گروه ها با مرعوب شدن از طریق تبلیغات صهیونیستی قصد داشتند از آب گل آلود ماهی بگیرند. نتایج عملیات روانی در لبنان صدور بیانیه دولت لبنان در ۲۲/۴/۸۵ و سلب مسئولیت دولت از عملیات پیشگیرانه حزب الله فؤاد سینوره نخست وزیر لبنان در موضع گیری ضعیفی گفت : « اقدام حزب الله در به اسارت گرفتن سربازان اسرائیل اشتباهی تاکتیکی بوده است. » ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان ادعا کرد : جنگ جاری بین اسرائیل و ایران و همپیمانان آنهاست. نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل با استناد به سخنان وروان حماده (وزیر مخابرات لبنان) و الیاس عطایی الله (نماینده مجلس لبنان) مدعی شد که سوریه و ایران ، حزب الله را حمایت می کنند. درخواست دبیرکل سازمان ملل و اتحادیه اروپا برای آزادی ۲ اسیر اسرائیلی و دخالت کشورهای عربی در این زمینه محکومیت حرکت حزب الله توسط وزیر امور خارجه امریکا. محکومیت عملیات حزب الله توسط فردریک جونز (سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا) و مسئول دانستن سوریه و ایران در این زمینه درخواست سفیران امریکا و فرانسه در بیروت از سیاستمداران و روزنامه نگارانی لبنانی برای موضع گیری علیه حزب الله مواضع جان بولتون (نماینده امریکا در شورای امنیت) و مشروع دانستن حملات رژیم صهیونیستی به بهانه دفاع از خود و تهدید سوریه و ایران. اظهارات شیراک درباره اینکه ایران از حزب الله و حماس برای عبور از مناقشه هسته ای خود استفاده کرده است. ایجاد اختلاف در نشست اضطراری وزرای خارجه ۱۸ کشور عربی در قاهره درخصوص حملات رژیم اشغال گر قدس به لبنانی و سخنان سعودالفیصل

وزیر خارجه عربستان مبنی بر مناسب ، غیرمسئولانه و دور از انتظار بودن اقدامات حزب الله و حمایت نمایندگان مصر ، اردن ، کویت ، تشکیلات خودگردان ، امارات و بحرین از وی. موضع گیری منفی دولت عربستان علیه حزب الله و بیان این موضوع که مقاومت مشروع و عملیات خودسرانه را باید ازهم تفکیک کرد و این عملیات بی هماهنگی با کشورهای عربی بوده و لازم است از طرف کسی که آن را به وجود آورده ، خاتمه یابد. برخورداری از اجازه نفوذ به شبکه مخابراتی لبنان توسط رژیم صهیونیستی : به همین خاطر امکان استفاده از تلفن ثابت ، همراه و بی سیم برای حزب الله وجود نداشت. بسیاری از کارشناسان نظامی متعجب اند که در طول جنگ ۳۳ روزه نیروهای مقاومت چگونه با هم در ارتباط بوده اند. کارشناسان رژیم اشغال گر قدس تأکید می کردند که نیروهای لبنانی قسمت - قسمت شده اند و امکان ارتباطی بین این گروه های به هم ریخته وجود ندارد. در پاسخ به این حرفشان ، سیدحسن نصرالله در تلویزیون ، دستور مستقیم حمله به ناوچه ساغره را صادر می کند و به مخاطبان می گوید به ناوچه رژیم صهیونیستی نگاه کنند و در برابر دیدگان مخاطبان پرتعداد خود ناوچه ساغره آماج حمله قرار گرفت و غرق شدن آن را بینندگان از صفحات تلویزیون خود می بینند. (این برای نخستین بار در تاریخ است که فرمانده جنگ در پخش مستقیم تلویزیونی فرمان حمله صادر می کند.) میزان دقت و هماهنگی بین نیروها و فرمانده حزب الله برای کارشناسان رژیم اشغالگر قدس و دیگران قابل فهم نبود. ایجاد زمینه همکاری شخصیت های سیاسی داخل لبنان یعنی جنبلاط ، جعجع و حریری اشغال گر قدس : آنها

فکر می کردند طبق وعده خانم رایس ، حزب الله رفتنی است. چرا که رایس به آنها گفته بود شما کار خود را انجام دهید فردا اگر سیدحسن نصرالله زنده بود می توانید او را در زندان گوانتانامو ببینید و واقعاً هم قسمتی از گوانتانامو و بخشی از زندان هایی در فلسطین اشغالی را برای نیروهای مقاومت لبنانی خالی کرده بودند. ارباب مسئولان لبنانی در حدی که سعد حریری در روزهای اول جنگ اعلام کرد که ما حزب الله را در پایان جنگ محاکمه خواهیم کرد. جن بلاط و دیگران هم گفتند تا حزب الله خلع سلاح نشود ، جنگ را متوقف نمی کنیم یعنی خود را هم ردیف طرف اسرائیلی قرار داد. نتایج عملیات روانی حزب الله با توجه به درگیری دیرینه میان شیعیان حزب الله و مسیحیان و سنی ها و دروزی ها و مارونی ها ، و رأی بخش اعظم مردم در انتخابات اخیر لبنان به نخست وزیر طرفدار امریکا و همچنین قتل حریری که به پای عوامل امنیتی سوریه گذاشته شده بود و حزب الله هم از سوریه جانبداری می کرد ، کاملاً منطقی بود که گناه ویرانی ها و کشتارهایی را که رژیم صهیونیستی انجام می دهد به پای حزب الله نوشته شود. اما حزب الله به دلیل استراتژی مردمی خود و با به کارگیری توان رسانه ای و استفاده از کلام پرنفوذ دبیرکل خود سیدحسن نصرالله و سخنرانی ها و پیام های تأثیرگذار وی که از طریق شبکه های تلویزیونی العالم ، العربیه و الجزیره پخش می شد ، توانست فضای سیاسی و روانی را به نفع خود تغییر دهد ، به نحوی که پس از طی روزهای اول جنگ مردم لبنان تقریباً یکپارچه از حزب الله حمایت کردند. تا جایی که همه گزارش های رسانه های

جمعی امریکا حاکی از حمایت مردم از حزب الله بود، و طبق همین منابع ۸۳ درصد مسیحیان لبنان هم از حزب الله حمایت کردند. حتی نخست وزیر مورد حمایت امریکا در لبنان هم رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و حملاتش را وحشیانه و جنایتکارانه خواند و چنان نسبت به امریکا خشمگین بود که تقاضای خانم رایس برای دیدار و مذاکره را رد کرد که این خود بزرگترین تحقیر برای وزیر امور خارجه امریکا بود. مهم ترین دستاوردهای عملیات روانی حزب الله عبارت اند از: ۱. ایجاد رویکرد مثبت جهان اسلام به مقاومت اسلامی و حزب الله ۲. به چالش کشیده شدن برخی کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای عربی به دلیل حمایت نکردن از مقاومت و متهم شدن آنها به خیانت. ۳. ظهور و بروز خشم و انزجار منطقه ای و جهانی علیه صهیونیست و امریکا ۴. زیر سؤال رفتن نهادها و مجامع بین المللی ۵. شکسته شدن مجدد اقتدار رژیم اشغالگر قدس و تابوی شکست ناپذیری ارتش این کشور ۶. برجسته شدن شخصیت سیدحسن نصرالله ۷. تقویت پیوند سنی و شیعه در لبنان و جهان اسلام ۸. شکل گیری صف بندی جهان اسلام و غرب ۹. به خطر افتادن منافع امریکا و غرب در منطقه خاورمیانه ۱۰. علاوه بر این، فرسایشی شدن جنگ و دست نیافتن به نتیجه ای مشخص و قابل قبول، سبب ایجاد چالش و شکاف در رژیم صهیونیستی شده است که برخی از شواهد آن در اواخر جنگ عبارت بود از: ۱- مخالفت با تداوم عملیات نظامی از سوی حزب لیکود و حزب کارگر ۲- چالش نظامیان با دولت و فرسایش روانی ارتش رژیم اشغال گر قدس ۳- فشار راست افراطی

و خاخام های صهیونیستی به دولت اولمرت برای رسیدن هرچه سریع تر به موفقیت سیاسی و نظامی نباید نظرسنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما از مخاطبان خارج از کشور در خصوص عملکرد شبکه های ماهواره ای در جنگ ۳۳ روزه نشان می دهد که از میان ۲۷۹ شبکه تلویزیونی نام برده شده از سوی پاسخگویان ، شبکه المنار پس از شبکه الجزیره رتبه دوم را در بین شبکه های ماهواره ای به خود اختصاص داد. همچنین در مورد پیگیری اخبار و تحولات جنگ ۳۳ روزه لبنان نیز شبکه های یاد شده بیش از شبکه های دیگر مورد استفاده مردم لبنان قرار گرفته اند. نتایج این نظرسنجی حاکی از آن است که ۴۰ درصد پاسخگویان شبکه العالم را می شناختند و از این عده ۵۶ درصد به نحوی بیننده این شبکه بوده اند ، ۸۹ درصد بینندگان العالم اظهار کرده اند که در حد « زیاد و خیلی زیاد » به اخبار و اطلاعاتی که از این شبکه دریافت می کنند ، اعتماد دارند و ۸۱ درصد نیز در حد « زیاد و خیلی زیاد » از برنامه های این شبکه اظهار رضایت کرده اند. همچنین این نظرسنجی نشان می دهد حدود ۴۰ درصد شیعیان لبنانی شبکه الکوثر را که برای شیعیان جهان برنامه تولید و پخش می کند ، می شناسد که از این تعداد ۵۷ درصد بیننده این شبکه بوده اند. ۸۳ درصد بینندگان الکوثر در حد « زیاد و خیلی زیاد » از برنامه های این شبکه رضایت داشته اند. مردم شهرهای بیروت ، نبطیه و صیدا معتقد بودند که در جنگ ۳۳ روزه ، امریکا (۹۵ درصد) و انگلیس (۷۰ درصد) بیشترین حمایت را از رژیم صهیونیستی انجام داده اند. در

مقابل ، از نظر پاسخگویان ، ایران (۶۸ درصد) ، سوریه (۶۴ درصد) و عربستان (۱۶ درصد) حامی کشور لبنان بوده اند. علاوه بر این ۹۰ درصد پاسخگویان عملکرد مقاومت اسلامی در جنگ اخیر لبنان را در حد « خیلی خوب و خوب » ارزیابی کرده اند. در مجموع ۷۵ درصد پاسخگویان مخالف خلع سلاح حزب الله در کشورشان هستند و در همین حدود اعتقاد داشته اند حزب الله و مقاومت اسلامی ، پیروز واقعی جنگ بوده است. (نظرسنجی صدا و سیما ، ۱۳۸۴) نتیجه گیری حزب الله لبنان پس از شکل گیری مردم لبنان را قانع کرد که به هیچ عنوان به دنبال کسب منافع گروهی خود نبوده است و علی رغم تبلیغ رسانه های امریکایی و صهیونیستی قصد برقراری حکومت اسلامی و پیاده کردن الگوی حکومت دینی چون ایران را ندارد. بخش نظامی حزب الله عملاً خود را یک نیروی نظامی ملی می داند و بارها اعلام کرده است که اگر دولت لبنان یک ارتش نیرومند تشکیل دهد با کما میل به آن می پیوندند و تابع حکومت مرکزی لبنان می شوند. بعد هم در طول سالیان نشان دادند که به عنوان یک نیروی خدمتگزار مردمی واقعاً در سازندگی جامعه نقش مثبتی دارند و خدماتی که در زمینه بهداشتی ، آموزشی ، ساختمان سازی و... ارائه می کنند واقعاً ارزشمند و مورد توجه جامعه فقیر جنوب لبنان است. حزب الله زمانی که توانست افسانه شکست ناپذیری رژیم اشغالگر قدس را بشکند و در سال ۲۰۰۱ رژیم اشغالگر قدس را مجبور به قبول شکست و عقب نشینی کند ، نشان داد که راه آنها در تجهیز نیروهای مردمی در دفاع از خود درست بوده است.

پس از جنگ ۳۳ روزه نیز حزب الله بدون وابستگی به کمک های خارجی و حمایت های دولت های غربی و عربی به سرعت برای بازسازی مناطق جنوب لبنان اقدام کرد و با حمایت های مادی و روانی از آسیب دیدگان همچنان بعد مردمی و انسان خود را نشان داد. این اقدامات حزب الله پشتوانه قوی مردمی و ملی مقاومت را رقم می زند. منابع و مآخذ ۱. اسدالله ، مسعود؛ جنبش حزب الله لبنان ، گذشته و حال؛ نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ۱۳۸۲ . ۲. پرایس وینسنت (۱۳۸۲) ؛ افکارعمومی؛ ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی؛ انتشارات مطالعات راهبردی. ۳. جونیون و.ئوکی (۱۳۶۵) ؛ تعریفی از افکارعمومی؛ از کتاب صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب سرا. ۴. جووت کورت (۱۳۷۴) ، ساختار تبلیغات سیاسی؛ ترجمه محبوبه ملک لو؛ فصلنامه رسانه؛ سال ششم شماره اول. ۵. سالک رضا (۱۳۷۸) ؛ نقش ارتباطات رسانه ای و میان فردی در شکل گیری افکارعمومی؛ نشریه افکارعمومی؛ شماره ۸ - انتشارات صدا و سیما. ۶. سلطانی فر ، محمد؛ هاشمی ، (۱۳۸۲) ؛ پوشش خبری؛ انتشارات سیمای شرق. ۷. سومین نظرسنجی مرکز تحقیقات صداوسیما از مخاطبان خارج از کشور « بررسی عملکرد شبکه های ماهواره ای در جنگ ۳۳ روزه لبنان » ، انتشارات صدا و سیما ، ۱۳۸۴ . ۸. شیرازی ، محمد (۱۳۷۶) ؛ عملیات روانی و تبلیغات [مفاهیم و کاربردها]؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۴ . ۹. قاسم ، شیخ نعیم؛ حزب الله لبنان؛ ترجمه : محمد مهدی شریعتمدار؛ نشر اطلاعات - ۱۳۸۳ . ۱۰. گارودی ، روژه؛ پرونده رژیم اشغالگر قدس و صهیونیسم سیاسی؛ ترجمه ، نسرين حکمی؛ نشر وزارت

ارشاد - ۱۳۷۷ - صفحه ۱۳۸. ۱۱. مهرآرا، علی اکبر (۱۳۷۳)؛ زمینه روان شناسی اجتماعی؛ انتشارات مهرداد. ۱۲. مهرداد، هرمز (۱۳۸۰)؛ مقدمه ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی؛ انتشارات فاران.

نگاهی به واکنش دولت ها در قبال تجاوز اسرائیل به لبنان

جنگ از مهم ترین رویدادها

جنگ از مهم ترین رویدادها در عرصه سیاست به شمار می رود و واکنش های متفاوتی را در پی دارد. سران کشورها به اقتضای منافع و برخی بر اساس اصول و اعتقادات خود موضع گیری می کنند.

۲ سال پس از جنگ ۳۳ روزه، بازخوانی دیدگاه دولت های مختلف اعم از اسلامی و غیراسلامی، منطقه ای و غیرمنطقه ای قابل توجه است.

ایران

مقامات جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا عدم رضایت خود از جنگ را اعلام کرده و آن را محکوم کردند.

ایران تلاش های زیادی در برپایی اجلاس فوق العاده سران کشورهای اسلامی و برقراری آتش بس صورت داد. همچنین بسته های دارویی و آمبولانس هایی از ایران برای کمک به مردم لبنان ارسال شد.

تهران در پی بیانیه اتحادیه اروپا در حمایت از اسرائیل با فراخواندن سفیر فنلاند (رئیس دوره ای اتحادیه اروپا) مراتب اعتراض شدید ایران را به این بیانیه ناعادلانه ابلاغ کرد.

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری، در مصاحبه اختصاصی با شبکه CBS آمریکا با اشاره به کشته شدن انسان ها و ویران شدن خانه ها پرسید: "شورای امنیت کجاست؟" وی دفاع از لبنان را طبق منشور سازمان ملل حق حزب الله دانست. رئیس جمهور ایران در مورد عدم صدور قطعنامه در سازمان ملل گفت: "آمریکا و انگلیس فکر می کنند رژیم اشغالگر باید در شرایط قوی تری قرار بگیرد تا آتش بس به نفعش شود".

وی همچنین در روزهایی از جنگ ۳۳ روزه که تهدید رژیم صهیونیستی برای مورد حمله به سوریه افزایش یافته بود، حمله به این کشور را تعرض

به کل جهان اسلام دانست و گفت: "اسرائیل باید منتظر پاسخی کوبنده باشد". بعد از این اظهارات بود که ادعاهای رژیم صهیونیستی برای حمله به سوریه کاهش یافت.

سوریه

سوریه به عنوان تنها همسایه مشترک رژیم صهیونیستی و لبنان جایگاه مهمی در منطقه و روابط بین این دو کشور دارد. سوریه تا چندی قبل از شروع جنگ، مسئولیت تأمین امنیت لبنان را برعهده داشت.

اسد رئیس جمهور سوریه در زمان جنگ موضوع خلع سلاح حزب الله را که از سوی برخی گروه های داخلی لبنان و کشورهای غربی و اسرائیل مطرح می شد، قابل پذیرش ندانست و طراحان خلع سلاح حزب الله را تفرقه افکن نامید. بشار اسد تأکید کرد: "فعالیت مسلحانه حزب الله مقاومت مشروع علیه رژیم صهیونیستی است."

اسد در برهه ای دیگر از جنگ پیش بینی انجام داد که درست از آب درآمد: "نتیجه این جنگ شکست برای اسرائیل و امریکا و ریشه ای شدن فرهنگ مقاومت است."

رئیس جمهور سوریه با اشاره ضمنی به عملکرد برخی کشورها در زمان جنگ به صراحت اعلام کرد: "در این جنگ نامردی برخی ها ثابت شد."

قطر

قطر تنها کشور عربی بود که در زمان جنگ عضو غیر دائم شورای امنیت بود و می توانست در زمینه صدور قطعنامه ها مؤثر باشد. قطر در جلسه صدور بیانیه تلاش کرد تا لحن بیانیه نسبت به رژیم صهیونیستی محکم تر باشد. قطری ها در طول جنگ آمادگی کشورشان را برای کمک رسانی به مردم لبنان و همچنین شرکت در اجلاس فوق العاده سازمان کنفرانس اسلامی اعلام کردند.

حمد بن جاسم آل ثانی وزیر امور خارجه قطر در زمان جنگ ۳۳ روزه از موضع کشورهای عرب در برابر بحران خاورمیانه و در خواست آن ها برای پایان دادن به حزب الله انتقاد کرد. وی

موضع کشورهای عربی را چراغ سبزی به رژیم صهیونیستی برای حمله به لبنان دانست.

وزیر امور خارجه قطر در مورد قطعنامه تصویب شده برای پایان درگیری ها د (۱۷۰۱) نیز گفت : " در این قطعنامه منافع لبنان کاملاً لحاظ نشده و وحدت ، ثبات و تمامیت ارضی لبنان کاملاً در نظر گرفته نشده است. " وی تصریح کرد : " در آینده نه چندان دور زمانی فرا خواهد رسید که دیگر رهبران کشورهای اسلامی نیز همچون محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران خواستار محو اسرائیل از صفحه روزگار شوند. "

عراق

عراق که خود درگیر بحرانی داخلی بود که در آن روزانه انسان های زیادی کشته می شدند ، خواستار توقف کشتار انسان ها در نقطه ای دیگر بود. نوری مالکی رژیم صهیونیستی را به خاطر حمله به لبنان و کشتار مسلمانان سرزنش کرد.

نخست وزیر عراق تجاوزات و حشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان و قتل غیر نظامیان و تخریب زیر ساخت ها را فاجعه انسانی نامید. وی با محکوم کردن این جنایات خواستار توقف آن با تلاش جامعه جهانی شد. این اظهارات نخست وزیر عراق ، اعتراض شماری از اعضای کنگره و رسانه های امریکا را برانگیخت.

مالزی

مالزی در زمان جنگ ریاست دوره ای سازمان کنفرانس اسلامی را برعهده داشت و دیپلماسی فعالی را در پیش گرفت. این کشور که مسلمانان زیادی در آن زندگی می کنند در طول جنگ بارها علیه جنایات رژیم صهیونیستی موضع گرفت و آن را محکوم کرد.

اقدامات رژیم صهیونیستی علیه حزب الله به عنوان یک گروه مسلمان سبب شد سید حمید البار وزیر امور خارجه مالزی از کشورهای جهان به ویژه کشورهای خاورمیانه درخواست کند تا روابط دیپلماتیک خود را با رژیم صهیونیستی قطع کنند. وی همچنین گفت : " قطعاً دیدگاه جامعه جهانی این است که اسرائیل مرتکب اشتباه شده است و قوانین بین المللی را نقض کرده است. "

سازمان کنفرانس اسلامی نیز در نشست اضطراری که به ریاست مالزی برگزار شد ، با محکوم کردن رژیم صهیونیستی خواستار آتش بس فوری شد.

ونزوئلا

ونزوئلا- کشوری است که بیشترین منابع گازی امریکای جنوبی را دارد و روابط خوبی نیز با ایران دارد. هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا- از اولین رهبران جهان بود که پس از شروع درگیری ها ، حمله اسرائیل را تجاوز به لبنان و نسل کشی مردم این کشور نامید و آن را محکوم کرد.

در واکنش به این اقدام، اسرائیل سفیر خود در کاراکاس را فراخواند. این اقدام باعث شد ونزوئلا- نیز عالی ترین مقام دیپلماتیک خود را از تل آویو فراخواند.

رئیس جمهور ونزوئلا این چنین در مورد ادامه روابط کشورش با اسرائیل سخن گفت: "هیچ نفعی در ادامه روابط دیپلماتیک نمی بینم؛ ونزوئلا به طور قطع روابط خود را با اسرائیل قطع می کند."

هوگو چاوز جنایات رژیم صهیونیستی را

"جنايات فاشيستي" توصيف كرد و گفت: "از دنيا مي خواهيم كه جلوي ديوانگي هاي اسرائيل را بگيرد. سران اسرائيل بايد به جرم قتل عام مردم لبنان محاكمه شوند."

اردن

اردن از جمله كشورهاي عربي مخالف حزب الله بود و با موضع گيري هاي خود در طول جنگ ۳۳ روزه اين موضوع را اثبات كرد.

عبدالله دوم شاه اردن اولين كسي بود كه از ايجاد يك هلال شيعي در كشورهاي حاشيه خليج فارس خبر داده و ادعا كرده بود اين امر باعث بي ثباتي كشورهاي منطقه مي شود. بر اساس اين ادعا، هلال شيعي از ايران شروع مي شود، تا شيعيان سوريه امتداد پيدا مي كند، به حزب الله مي پيوندد و سرانجام حماس را در بر مي گيرد.

شاه اردن در اوایل جنگ به موازات محكوم كردن حملات اسرائيل، اقدامات حزب الله را به طور غيرمستقيم محكوم كرد و آن را براي منافع اعراب در منطقه زيان بخش دانست؛ اين اظهارات خشم بسياري از مسلمانان را برانگيخت.

پس از گذشت حدود ۳ هفته از جنگ و موفقيت حزب الله، پادشاه اردن نيز با چرخشي محسوس در مواضعش حزب الله را قهرمان اعراب ناميد و اعلام كرد: "مادامي كه اشغالگري وجود دارد، مقاومت با حمايت گسترده مردمی وجود خواهد داشت". وی افزود: "اگر حزب الله را نابود كنيد، تنها يك يا دو سال توانسته ايد براي مسئله فلسطين، لبنان يا سوريه راه حلي ايجاد كنيد اما حزب الله ديگري در كشور ديگري شايد اردن، سوريه، مصر يا حتي عراق ظهور كند."

عربستان

عربستان كه همچون اردن در مورد قدرت گرفتن حزب الله و ايجاد هلال شيعي نگران بود، حزب الله و حاميان آن را مسئول بحران جنگ دانست و اقدامات حزب الله را "ماجراجوبي هاي حساب

نشده و متفاوت از مقاومت مشروع علیه اشغالگران قدس" خواند. این اظهارات با اعتراضات مقامات و مردم کشورهای اسلامی روبرو شد.

اما عربستان نیز مانند اردن با نزدیک شدن به روزهای آخر جنگ و مشاهده موفقیت حزب الله و آگاهی از هدف رژیم صهیونیستی برای ایجاد خاورمیانه جدید با تغییر موضعی محسوس، امریکا را به سبب اتخاذ نکردن موضعی جدی در جلوگیری از حمله رژیم صهیونیستی به لبنان سرزنش کرد.

سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان، کشورش را مخالف سیاست های امریکا در منطقه دانست و تصریح کرد: "ما ترجیح می دهیم به خاورمیانه قدیمی بازگردیم، چرا که هیچ چیز تازه ای در این خاورمیانه جدید جز مشکلات ندیدیم." وی افزود: "خاورمیانه منطقه ای غیرمسکونی نیست. اینجا مردمی دارد و دولت هایی و سرنوشت ما پس از خداوند توسط مردم تعیین می شود."

فیصل در زمانی که احتمال حمله به سوریه از سوی رژیم صهیونیستی افزایش یافته بود، تأکید کرد: "در صورت هر گونه تجاوز یا تهدید سوریه، دیگر کشورهای عربی ساکت ننشسته و در کنار دمشق خواهند ماند و از سوریه دفاع خواهند کرد."

مصر

مصر همواره یکی از کشورهای مهم جهان عرب است که در معضلات این کشورها به مثابه مشاور و برادر دخالت می کند اما در عین حال روابط دیپلماتیک و نزدیکی با رژیم صهیونیستی دارد.

حسنى مبارك رئيس جمهور مصر بحران خاورميانه را "هرج و مرج مهلك" ناميد و از شوراي امنيت سازمان ملل خواست هر چه زودتر براي توقف بحران اقدام کند.

وی به طور غیر مستقیم از حزب الله به

دلیل صدمه زدن به منافع اعراب انتقاد کرد و گفت: "آن‌هایی که می‌خواهند مصر برای دفاع از لبنان یا حزب الله به جنگ برود، آگاه نیستند که هنگامه ماجراجویی برون مرزی به سر آمده است."

وی در واکنش به درخواست مردم مصر برای قطع رابطه با اسرائیل گفت: "وجود کانال‌هایی برای تماس میان مصر و اسرائیل در درجه اول و آخر در خدمت به منافع امت عربی و برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و ایجاد نقاطی برای توافق است که منافع مشترک ما را تأمین کند."

ترکیه

ترکیه مایل است نه تنها از نظر نظامی، بلکه از نظر سیاسی و دیپلماتیک نیز کشوری باشد که در حل بحران‌ها ایفای نقش کند. ترکیه در طول جنگ به عنوان یکی از کشورهای منطقه، خواهان برقراری ثبات و امنیت بود.

این کشور هجوم رژیم صهیونیستی را "افراطی‌گری" نامید و ضمن محکومیت آن از دو طرف خواست به درگیری‌ها پایان دهند. در زمان جنگ، اخباری مبنی بر ملاقات مقامات ترک با اسیران اسرائیلی منتشر شد.

عبدالله گل وزیر امور خارجه ترکیه در اواخر جنگ اعزام نیروهای بین‌الملل را برای ثبات منطقه سودمند دانست و اعلام کرد: "پیشنهاد استقرار نیروهای ثبات بین‌المللی در لبنان باید با تصویب قطعنامه‌ای از سوی سازمان ملل حمایت شود و پیش از استقرار این نیروها آتش بس برقرار شود." وی که فردی اسلام‌گراست، وقایع لبنان را یک "تراژدی" نامید و گفت: "متأسفانه سؤالاتی در مورد امریکا و مشروعیت مفتخرانه رهبریت آن برای آزادی و عدالت به ذهن

متبادر می شود. "وی افزود: "هر باری که بمبی در لبنان فرود می آید، ضربه ای را به وجدان جهانیان وارد می کند."

روسیه

روسیه عضوی دائم از شورای امنیت، حملات اسرائیل را "زیاده روی" دانست و هدف آن را فراتر از مبارزه با حزب الله و سبب ایجاد بحران انسانی در لبنان عنوان کرد و ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر ارسال تسلیحات ضد تانک روسی به لبنان را تکذیب کرد.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور وقت روسیه با اشاره به تصویب قطعنامه ای در اجلاس سران ۸ کشور صنعتی جهان در مورد حوادث لبنان گفت: "از نظر ما هیچ کس پیروز این جنگ نخواهد بود، همه ما می دانیم در گذشته چه اتفاقی افتاده و هیچ کس نمی خواهد به آن دوران بازگردد."

پوتین همچنین ایران را کشوری قدرتمند و بانفوذ در منطقه دانست و خواستار مشارکت ایران برای بهبود شرایط در منطقه شد: "در خصوص تشکیل نیروهای حافظ صلح برای حضور در لبنان صحبت هایی شد که در صورت چنین اقدامی روسیه در آن مشارکت خواهد داشت."

چین

چین که روز به روز بر قدرت اقتصادی و سیاسی خود می افزاید، خواستار خاورمیانه ای با ثبات بود تا امنیت انرژی در منطقه خاورمیانه تهدید نشود، بنابراین خواستار برقراری آتش بس فوری در منطقه بود. چین بمباران روستای قانا توسط رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه را محکوم کرد. "لی جائو شینگ" وزیر امور خارجه چین حمله ارتش رژیم صهیونیستی به مقر سازمان ملل در لبنان را محکوم کرد. در این حمله یک ناظر چینی سازمان ملل هم کشته شده بود.

وزیر امور خارجه چین، آتش بس را بهترین راه برای جلوگیری از افزایش درگیری و ناآرامی در منطقه دانست و ضمن درخواست

از رژیم صهیونیستی برای پایان جنگ ، گفت : "چین برای تأمین امنیت و ثبات در خاورمیانه از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند."

امریکا

امریکا به عنوان متحد استراتژیک رژیم صهیونیستی نقش مهمی در حمایت نظامی و سیاسی از این رژیم داشت. امریکا که خود را داعیه دار ایجاد جهانی جدید بر پایه دموکراسی می داند ، مانند گذشته از آتش افروزی جنگ که موجب کشته شدن هزاران زن و کودک مظلوم و آواره شدن یک میلیون نفر شد ، پشتیبانی کرد.

امریکا در اواسط جنگ با اطمینان از ادامه جنگ سخن گفت ، گویی خود درگیر جنگ است. جورج بوش ۱۰ روز از زمان جنگ را در مزرعه پدری خود به تفریح می پرداخت ، در حالی که دیگر همتایانش در کشورهای دیگر جهان با اتمام تعطیلات خود راه حل های برون رفت از بحران لبنان را بررسی می کردند.

سخنگوی کاخ سفید در این مورد گفت : "رئیس جمهور در اینجا بسیار فعال است و هم به تفریحات خود می پردازد و هم به مسائل مهم جهان!"

بوش پس از فراغت از تفریحات خود ، زمانی که صدها کودک و زن بی دفاع بر اثر بمب های اسرائیلی کشته می شدند ، گفت : "تا زمانی که نبرد میان حزب الله و اسرائیل با هدف خلع سلاح این گروه نظامی جریان داشته باشد ، اصراری بر اعزام صلح بانان سازمان ملل به منطقه نیست." وی با صراحت این درگیری ها را فرصتی برای ایجاد تغییرات جدید در خاورمیانه اعلام کرده بود که با شکست رژیم صهیونیستی این فرصت برای آن ها مهیا نشد.

انگلستان

انگلستان در این جنگ همگام با متحد اصلی خود امریکا ، از رژیم صهیونیستی حمایت کرد. سفارت انگلیس در منامه پایتخت بحرین ، از مطبوعات این

کشور خواست تصاویر هولناک قتل عام مردم لبنان به دست صهیونیست ها را منتشر نکنند تا وجهه این رژیم بیش از گذشته زیر سؤال نرود.

تونی بلر نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی ضمن مخالفت با درخواست از اسرائیل برای توقف حملات به لبنان مسئولیت پایان جنگ را بر عهده حزب الله دانست. در حالی که سید حسن نصرالله ، او را شریک رژیم صهیونیستی در کشتار مردم لبنان خوانده بود.

نخست وزیر سابق انگلستان ادعا کرده بود : "برای دستیابی به صلح پایدار ابتدا باید نیروهای حزب الله خلع سلاح شوند." وی در جایی دیگر اعتراف کرد : "امریکا و انگلستان و جاهت و اعتبار خود را در جهان اسلام و جهان عرب از دست داده اند و غرب هرگز نمی تواند افکار جهانی را متقاعد کند که در این بحران منصف یا حداقل بی طرف بوده است."

آلمان

آلمان در این جنگ حمایت بی قید و شرط خود از رژیم صهیونیستی را اثبات کرد. آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان جامعه بین الملل را به سهل انگاری در برابر تحولات لبنان متهم کرد. وی که از قدرت نظامی حزب الله آشفته بود ، گفت : "جهان در ارائه کمک های لازم به لبنان برای خلع سلاح حزب الله و اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت کوتاهی کرد."

صدر اعظم آلمان اظهار داشت : "کشور لبنان در وضعیت بسیار دشواری قرار دارد و ما قصد داریم از دولت این کشور در امر برقراری ثبات و امنیت داخلی حمایت کنیم."

آنجلا مرکل در برهه ای از جنگ به صراحت گفت : "این وظیفه تاریخی آلمان است که به طور جدی از

حق اسرائیل برای موجودیت خود دفاع کند. حزب الله لبنان بحران کنونی خاورمیانه را آغاز کرده است."

فرانسه

فرانسه از جمله حامیان رژیم صهیونیستی بود. پاریس پیشنهاد پیش نویس قطعنامه ای را داد که سران کشورهای اسلامی آن را "جایزه به متجاوزان صهیونیستی" نامیدند. در این پیش نویس، حزب الله آغازگر جنگ و مسئول عواقب آن معرفی شده بود و جامعه بین الملل ملزم به تلاش برای شناسایی و مجازات اعضای آن بودند. این پیش نویس به نیروهای اعزامی بین الملل اجازه ورود به هر ساختمانی در لبنان و سوریه و قتل اعضای حزب الله را می داد.

ژاک شیراک رئیس جمهور وقت فرانسه اعلام کرد، کشورش خواهان ایجاد گذرگاهی امن برای خروج خارجیان از لبنان است. رئیس جمهور وقت فرانسه سلاح مقاومت را تنش آفرین خواند و از تمایل کشورش برای بازسازی لبنان خبر داد: "بحران لبنان راه حل نظامی ندارد."

این موارد تنها مواضع سران سیاسی کشورهای مذکور بود. در طول جنگ ۳۳ روزه مردم کشورهای مختلف جهان هم با برپا کردن تظاهرات و راهپیمایی، تجاوز رژیم صهیونیستی را به لبنان محکوم کردند.

شگفتیهای جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل

جنگ بی نتیجه صهیونیست ها علیه حزب الله

رونو ژرار نویسنده و متفکر فرانسوی که اخیرا کتابی با عنوان جنگ بی نتیجه اسرائیل علیه حزب الله منتشر کرده است، با پایگاه اینترنتی ایلاف درباره این کتاب و تحولات جمهوری اسلامی ایران به گفت و گو پرداخته است.

رونو ژرار یکی از سردبیران ارشد روزنامه لو فیگارو است. وی مهمترین خبرنگار نظامی فرانسه و تنها روزنامه نگار خارجی بود که با لشکر گولانی اسرائیل هنگام نفوذ به جنوب لبنان همراه بود.

ژرار در این کتاب مشاهدات خود را درباره جنگ اسرائیل علیه حزب الله به رشته تحریر در آورده است. رونو

در بیشتر جنگ های جهان به ویژه جنگ های خاورمیانه در بیست و پنج سال گذشته حضور داشته است .

وی در پاسخ به این سوال که چرا اسرائیل شکست خورد ، تاکید کرد : « زیرا اهدافی که دولت ایهود اولمرت برای جامعه اسرائیل اعلام کرده بود محقق نشد . دو هدف برای این جنگ اعلام شده بود اولی آزادی دو نظامی اسرائیلی و دومی نابودی کامل نیروهای حزب الله و خلع سلاح آنان ؛ که این دو هدف محقق نشد و در آینده نیز محقق نخواهد شد . »

رونو ژرار تاکید کرد : « اسرائیل در ازای دادن برخی امتیازات از سازمان ملل خواست تا نظامیان اسیر خود را آزاد کند اما درباره هدف دوم باید گفت که حزب الله هرگز سلاح خود را بر زمین نگذاشت . سربازان حزب الله روزی نظامی و روزی دیگر غیر نظامی شده و بین بافت های جامعه پنهان می شوند بدون آنکه کسی آن ها را بشناسد . »

رونو ژرار افزود : « یکی از همکارانم که در خلال جنگ از آن ها پرسید آیا سلاح خود را پس از جنگ کنار خواهید گذاشت ، پاسخ دادند : بله اما برای امام زمان (عج) هنگامی که ظهور می کند فقط برای امام زمان

ژرار خاطر نشان کرد : « باید به عملکرد رزمندگان حزب الله توجه کرد آنان صد و هفده نظامی اسرائیل را کشتند اما اسرائیل می گوید که قصد دارد حزب الله را نابود کند و این خنده دار است . »

وی افزود اسرائیل با هدف قرار دادن ساختار زیر

بنایی لبنان سیاست اشتباهی را پیمود و گمان می کرد که این مساله باعث شود لبنانی ها علیه حزب الله برخیزند و آن را خلع سلاح کنند اما برخلاف این مساله اتفاق افتاد و مردم لبنان به جای تفرقه با حزب الله اعلام همبستگی کردند و متحدتر شدند .

«

ژرار تاکید کرد : « بمباران وحشیانه غیر نظامیان بدین شکل در طول تاریخ هرگز به نتیجه جدی نرسیده است و نمونه این را در جنگ های جهانی دیدیم هنگامی که هیتلر لندن را هدف قرار داد تا مردم برضد دولت انگلیس شورش کنند عکس این مساله اتفاق افتاد و مردم انگلیس با دولت خود برضد آلمان متحد شدند و انگلیس به پیروزی رسید . انگلیس و آمریکا نیز برای بمباران آلمان تلاش کردند اما این گونه تلاش ها باعث وحدت مردم آلمان شد و تا آخرین نفس جنگیدند همه اینها درس هایی از تاریخ است . همچنین درس ویتنام را هم فراموش نمی کنیم . جنگ نتیجه بخش نبود بمب های زیادی در ویتنام فرو ریخت اما آمریکایی ها رفتند و ویتنام و مردم ویتنام باقی ماندند . »

رونو ژرار افزود : « تصمیم بد اسراییل آن بود که وارد جنگ هوایی شد با این اعتقاد که نتیجه بخش خواهد بود و نتوانست از همبستگی بین المللی موجود استفاده کند و اشتباه بزرگ این رژیم عجله در این جنگ بود .

اسراییلی ها در سال دو هزار به طور یک جانبه عقب نشینی کردند و قدرت حزب الله را به خوبی می دانستند . حزب الله از شش سال پیش آماده این جنگ بود

. عقب نشینی یک جانبه در سال دو هزار نتیجه مفیدی نداد حزب الله دشمن خطرناکی است . «

ژرار مدعی شد : « حزب الله شاخه نظامی ایران است و آن ها تاکنون اسرائیل را به رسمیت نشناختند .

اسرائیلی ها باید بدانند که اگر برای جنگ دیگری آماده می شوند لازم است که تاکتیک های مختلفی را در نظر بگیرند .

تانک مرکاوا برای چنین جنگهایی مناسب نیست باید تاکتیک جدیدی را در نظر بگیرند علاوه بر آنکه باید به جنگ سیاسی و تبلیغاتی نیز توجه کنند .

اسرائیلی ها باید اروپایی ها و آمریکایی ها را درباره اهمیت قطعنامه هزار و پانصد و پنجاه و نه و حضور نیروهای بین المللی در مرز لبنان ، سوریه و اسرائیل قانع می کردند . اما به جای آن اسرائیلی ها عجله کردند و رییس ستاد مشترک ارتش اسرائیل اظهارات آتشینی مطرح و تاکید کرد ، لبنان را بیست سال به عقب بازمی گردانند ! چگونه با این اظهارات می توانستند جهان را قانع کنند که آنان در جنگ با لبنان نیستند بلکه در جنگ با حزب الله هستند بنابراین این جنگ نامنظم و نابسامان بود .

به طور عاقلانه هیچ کشوری در جهان نمی پذیرد که گروهی کماندو از مرزهایش عبور کند مثلا امارات اجازه نمی دهد و نمی پذیرد که گروهی از کماندوهای ایرانی از مرزهایش عبور کنند و عده ای را بربایند . «

ژرار در پاسخ به این سوال که در خلال همراهی تو با لشکر گولانی اسرائیل در حمله به لبنان چه چیزهایی مشاهده کردی گفت : « آنان با ترس و دلهره حرکت می

کردند و زره پوش های آنان در طول روز حرکت نمی کردند بلکه ترجیح می دادند در شب حرکت کنند. از سوی دیگر تعداد زیادی از کشته شدگان و زخمی های اسرائیلی را دیدم. اما هیچ کشته، زخمی یا اسیری از اعضای حزب الله را ندیدم زیرا آن ها قبل از خارج کردن کشته ها یا زخمی های خود مکان های درگیری را ترک نمی کردند.

از سوی دیگر همکاران روزنامه نگار من در جنوب لبنان، هیچ سربازی از حزب الله را ندیدند، زیرا در واقع اشباح بودند و در نتیجه این جنگ جنگ اشباح بود.

اسرائیلی ها به بنت جبیل رفتند و شماری از آنان کشته و زخمی شدند اما حزب الله این شهر را بدون آنکه یک نفر از آنان را ببینیم پس گرفت. آنان در تونل ها پنهان بودند و می توانستند سه یا چهار روز در آنجا بمانند سپس به طور ناگهانی برای شلیک موشک خارج می شدند.

برای حزب الله حفظ زمین و پایگاه مهم نبود بلکه مهم برای آنان کشتن شمار بیشتری از اسرائیلی ها بود زیرا این اقدام پیروزی را برای آنان تضمین می کرد و باعث محبوبیت آنان در جهان عرب و مردم عرب که تشنه این گونه پیروزی ها هستند می شد.

در جهان عرب گمان نمی کنم دولت های سنی در کشورهای حوزه خلیج فارس یا حتی در مصر از این گونه پیروزی ها و نقشی که که ایران شیعی برای سلطه بر جهان عرب و اسلام ایفا می کند خوشحال شوند. گمان نمی کنم این حکومت ها

از این مسائل خرسند شوند . نصر الله امروز به لطف کشتن سربازان اسرائیلی در بنت جبیل تبدیل به یک قهرمان بزرگ در دمشق ، امان و قاهره شد و تنها رهبر محبوب جهان عرب شد که نظیر ندارد . «

وی درباره دیدار خود از تپه های جولان در خلال جنگ اسرائیل و حزب الله گفت : « هیچ گونه تغییر و تحولی در بین سربازان سوری و اسرائیلی ندیدم و دو طرف در وضعی آرام و آسوده بودند . سوریه دوست ندارد به طور مستقیم وارد جنگ شود بلکه حزب الله را به جای خود وارد جنگ می کند . «

ژرار افزود : « سوریه در جنگ سال هشتاد و دو با اسرائیل صد و پانزده هواپیمای جنگی خود را از دست داد بنابراین امروز دوست ندارد آن تجربه را تکرار کند و در نتیجه حزب الله به جای آن می جنگد . از سوی دیگر دولت سوریه در حال حاضر تمایلی برای پس گرفتن جولان ندارد و این موضوع مهمی برای آنان در حال حاضر نیست . «

ژرار می افزاید : « نصر الله اکنون به یک ستاره منطقه ای و جهانی تبدیل شده است و به گمان من تنها شخصی که از این مساله نگران و خشمگین بوده ، اسامه بن لادن است زیرا نصر الله شیعه است و به این سنی خودبین توضیح داده است که ویژگی ستاره بودن و جهاد را از آنان سلب کرده است . بن لادن به موفقیت نصر الله در جهان عربی و اسلامی حسادت خواهد کرد . مردی شیعی برای اولین بار به این شهرت دست یافت همان

طور که آیت الله خمینی در دهه هشتاد به این شهرت دست یافته بود .

نصر الله اکنون به بازیگر اصلی در لبنان تبدیل شده است که نمی توان وی را در عرصه سیاسی لبنان نادیده گرفت با این حال باید گفت پیروز واقعی در این جنگ ایران است ، ایران اکنون به بازیگر اصلی در معادله خاورمیانه تبدیل شده است اما سوریه در پی کشته شدن حریری و عقب نشینی از لبنان متحمل خسارت زیادی شده است . «

این خبرنگار فرانسوی گفت : « دیپلمات های فرانسه آن زمان بی درنگ برای گفت و گو با سیاست مداران ایرانی وارد این کشور شدند ، ایران ثابت کرد که می تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و اکنون احمدی نژاد را می بینیم که بدون هیچ مشکلی درباره خواسته های هسته ای ایران صحبت می کند . «

وی افزود : « آمریکایی ها تلاش می کنند مانع از دست یابی ایران به توانایی های هسته ای شوند زیرا نمی توانند به آن حمله کنند چون در عراق گرفتار شده اند و پس از گرفتار شدن آمریکا در عراق دیگر کسی از آمریکا نمی ترسد . «

ژرار مدعی شد : « اگر ایرانی ها به بمب هسته ای دست پیدا کنند در نتیجه کشورهای ثروتمند خواهند گفت چرا ایران بمب داشته باشد اما ما نداشته باشیم کشورهایمانند عربستان ، امارات ، الجزایر و دیگر کشورها میلند به قدرت هسته ای دست یابند و در نتیجه سریال برنامه هسته ای در جهان عربی و اسلامی توسعه می یابد که در واقع آغاز جنگ

جهانی سوم یعنی جنگ هسته ای خواهد بود .»

رونو ژرار درباره نگرانی برخی از کشورهای عربی درباره هلال شیعی از ایران تا عراق ، سوریه و لبنان گفت : « سلطه و برتری شیعی به طور واضح وجود دارد .»

ژرار افزود : « به طور مثال در لبنان از زمان ترور شیخ عباس موسوی در سال نود و دو و روی کار آمدن نصر الله ؛ عناصری ظاهر شدند که برای عقیده و باورهای خود می جنگند آن ها به آنچه می گویند معتقدند مانند احمدی نژاد .

آن ها برای مال و ثروت تلاش نمی کنند این گونه افراد عقاید خاص خود و منطق خطرناکی دارند زیرا عملکرد آنان به دین ارتباط پیدا می کند و این منطق بسیار بسیار خطرناکی است .»

بمباران لبنان با بادکنک های سمی

نسل کشی با بادکنک های سمی ، شیوه جدید ارتش رژیم اسرائیل برای نابودی اهالی جنوب لبنان است.

به گزارش فارس ، بادکنک های سمی ارتش اسرائیل تا کنون در سطح مناطق ساحلی و جنگلی جنوب لبنان پخش شده است.

این بادکنک ها که در رنگ های شاد و جذاب طراحی شده است در دو اندازه بزرگ و کوچک در سطح شهرها و مناطق جنوبی لبنان به ویژه نبطیه ، صور و روستاهای اطراف پخش شده و یک مورد از آن نیز در بیروت و در منطقه الشیاح مشاهده شده است.

بر روی این بادکنک ها جملاتی به دو زبان انگلیسی و عبری همچون Happy birthday و Happy night نوشته شده است.

شیوه عمل این بادکنک ها به گونه ای است که در صورت لمس یا خروج گاز از داخل آنها ، فرد لمس کننده آن

با مسمومیت شدید تنفسی و پوستی مواجه شده که ارتش لبنان هم اینک مشغول بررسی نوع گازهای به کار رفته در این بادکنک هاست.

تا کنون ۹ نفر از شهروندان لبنانی توسط این بادکنک ها مسموم شده اند که "رنا الجونی" خبرنگار روزنامه لبنانی "النهار" نیز از این مسموم شدگان است.

منابع بیمارستانی لبنان ، تعداد مسمومان بستری شده را تا این لحظه ۸ نفر در جنوب و یک نفر در بیروت اعلام کرده اند.

این در حالی است که ارتش رژیم اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه علیه لبنان نیز از بمب هایی با ظاهر عروسک و گوشی تلفن همراه در سطح "ضاحیه" و جنوب لبنان استفاده کرده بود که به رغم گذشت چند ماه از پایان جنگ ، شهروندان لبنانی هنوز شاهد انفجار و کشته و زخمی شدن توسط این نوع از بمب ها هستند.

تاکنون ، کودکان بیشترین آمار تلفات و زخمی های این تسلیحات تشکیل داده اند.

تخمین زده می شود چیزی در حدود سه میلیون از این نوع بمب ها تاکنون در لبنان ریخته شده باشد که عملیات یافت و خنثی سازی آنها زمان بسیاری زیادی خواهد برد.

رژیم اسرائیل تاکنون از اعلام نقشه مناطقی که با این نوع تسلیحات پوشیده شده ، خودداری کرده است.

مخالفت با اقدام تل آویو در بمباران لبنان با بادکنک های سمی در روزهای اخیر اوج گرفته و معارضان دولت خواستار استناد به قطعنامه ۱۷۰۱ برای اعتراض به شورای امنیت سازمان ملل شده اند.

در پی افزایش نگرانی مردم از بالا-رفتن میزان مسمومیت ها ، صلح بانان بین المللی مستقر در جنوب لبنان نیز اعلام آمادگی کرده اند تا محتوای این بادکنک ها را بررسی کنند تا مطمئن شوند که آیا مواد داخل آنها سمی است یا خیر.

شمال از شمال-شرق ۱ (در مورد جنگ ۳۳ روزه لبنان)

و آن را با فاصله ی سه صندلی از جایگاه وزیر دفاع پیدا کرد : ژنرال « بنیامین شالوم ، فرماندهی موشکی » .

آرام به سمت جایگاه خود رفت ، بر روی صندلی لمید و به نقاطی که فرمانده ی نیروی زمینی در نقشه نشان می داد خیره شد.

ژنرال نیروی زمینی ، سعی داشت وخامت اوضاع را تشریح کند :

- برآورد ما ، از واکنش چریک های حزب الله از نظر زمانی و همچنین توان مواجهه ، متفاوت بود : « اون ها ابتدا با راکت های « کاتیوشا » به یک پایگاه ما در جبهه ی شمالی حمله کردند. سپس در ساعت ۹ : ۰۵ امروز ، در درگیری با نیروهای پیاده ی ما ، دو سرباز را اسیر نموده و با خود بردند.

پس از این اتفاق ، ما واکنش سختی نشان دادیم ، و ضمن گلوله باران جنوب لبنان توسط یکان های توپخانه ، واحدهای زرهی ما از مرز عبور کردند تا قبل از آنکه سربازان اسیر شده ، از منطقه ی جنوب لبنان به مناطق نامعلوم منتقل شوند ، آنها را آزاد کنند. در پیشروی تانک های ما ، متأسفانه یک دستگاه تانک « مرکاوا » توسط چریک های حزب الله ، منهدم شد ، که ...

پرتز - وزیر دفاع - : چطور؟ ... چطور منهدم شد!؟

- آقای وزیر ، ما هنوز نمی دانیم چگونه تانک مرکاوا منهدم شده است ...

پرتز کلافه شد : ... یعنی چه؟ چطور نمی دانید!؟

- دسترسی به محل انهدام آن تاکنون امکان پذیر نشده ، اما احتمال های مختلف مطرح هستند ، شاید چریک های حزب الله از موشک های ضد زره « تاو » آمریکایی ، « مالیوتکا »

یا «اس پی گوت» روسی، «کبرای» آلمانی یا حتی «میلان» ایتالیایی استفاده کرده اند، نمی دانیم، شاید بر روی مین رفته باشد ...

- ادامه بدهید.

- در هر حالت، آنچه مهم است، چگونگی نزدیک شدن این چریک ها به تانک «مرکاوا» که از سیستم های ردیاب حرارتی بدن موجودات زنده برخوردار است، و یا چگونگی انهدام این تانک از راه دور مطرح است. نگرانی من این است که شاید جمهوری اسلامی ایران سیستم های پیچیده ی ناشناخته ای در اختیار حزب الله لبنان قرار داده باشد که در این صورت موازنه ی تکنیکی و تاکتیکی صحنه میان ارتش ما و نیروی حزب الله را به هم بزند.

ژنرال بنیامین شالوم، که تا این لحظه، تصاویر تانک پیشرفته ی مرکاوا را بر صفحه نمایشگر بزرگ اتاق وضعیت به دقت مشاهده می کرد و از هیبت آن در غرور غوطه ور بود، با شنیدن این حرف ژنرال، سرش را از تأسف به زیر انداخت، و در ذهن خود، فرمانده ی نیروی زمینی را تمسخر کرد: مردک بی عرضه، از عهده ی برخورد با چند نفر چریک بر نمی آید، بی جهت پای قدرت های دیگر را به میان می آورد.

پرتز پرسید: ... مثلاً چه جور سیستمی؟

- آقای وزیر، هنوز نمی دانیم، اما بالاخره باید چیزی باشد.

عمید پرتز که قانع نشده بود، موضوع دیگر را پرسید: تلفات نیروهای پیاده در این درگیری باور کردنی نیست، آیا اجساد کشته ها را توانستید منتقل کنید؟

- پس از انهدام تانک مرکاوا، درگیری ادامه پیدا کرد که در آخر، هفت

سرباز ما کشته و یازده نفر نیز مجروح شدند. ما توانسته ایم سه جسد از کشته ها و همچنین همه مجروحان را به عقب بیاوریم. چهار جسد نیز در منطقه ی درگیری باقی مانده است ، که امیدواریم بتوانیم با پیشروی نیروها ، آنها را منتقل کنیم.

پرتز ، که پز هر نوع حرفه ای از او متصوّر است ، به غیر از وزارت بر نیروهای مسلح ، بدون حوصله ، حرف های فرمانده ی نیروی زمینی را خاتمه داد و تدابیر دولت را ابلاغ کرد :

- در ده روز گذشته ، به بهانه ی به اسارت درآمدن سرجوخه گلعداد شلیط ، به دست فلسطینی ها در نوار غزه ، استراتژی عملیاتی ما ، حمله به زیر ساخت های عمومی فلسطین بوده است. اگر بتوانیم با تخریب تأسیسات زیربنایی آنان ، مانند پل ها ، جاده ها ، نیروگاه های برق ، بیمارستان ها ، و ... مردم فلسطین را کلافه کنیم ، ناکارآمدی دولت حماس را به نمایش گذارده ایم. دولت فلسطین هیچ منبع درآمدی ندارد : کشورهای غربی که هیچ کمکی به آن نکرده اند ، دولت های عربی و کشورهای مسلمان هم تنها شعار کمک مالی به فلسطینیان را مطرح کرده اند. در نتیجه دولت اسماعیل هنیه مجبور می شود همین مقدار منابع مالی محدود خود را صرف بازسازی زیرساخت های منهدم شده نماید. برآورد این است که اگر درآمد دولت فلسطین و کمک های مالی احتمالی از سایر کشورها به آن ، فرضاً ۱۰۰ دلار باشد ، باید ۱۰ برابر آن ، یعنی ۱۰۰۰ دلار به زیرساخت هایشان خسارت وارد کنیم ، تا دولت حماس فلج شود.

همین استراتژی عملیاتی ، برای حزب الله لبنان نیز تجویز شده است؛ نظر نخست وزیر « المرّت » این

است ، هزینه ی حزب الله را در مقاومت باید بالا- ببریم. اگر تأسیسات زیربنایی لبنان را ویران کنیم ، مردم لبنان خسته می شوند ، و از حزب الله فاصله می گیرند. در آن صورت زمینه برای خلع سلاح و نابودی جریان مقاومت اسلامی لبنان فراهم می شود.

تأکید می کنم ، ما به خواسته ی حزب الله در آزادی اسرای لبنانی و فلسطینی در ازای آزادی دو سربازی ، که امروز اسیر شده اند ، عمل نمی کنیم. لذا ضمن اعلام آماده باش بدون مدت برای همه ی نیروهای مسلح اسرائیل ، دستور عملیاتی هر یک از نیروها ، به قرار زیر است :

۱- فرمانده ی نیروی زمینی - ۶۰۰۰ نیروی ذخیره فراخوان می شوند و در اختیار نیروی زمینی قرار می گیرند. شما ، با واحدهای توپخانه ، گلوله باران مستمر نوار غزه در فلسطین ، و جنوب لبنان را اجرا نمایید.

۲- فرمانده ی نیروی هوایی - بمباران زیرساخت های سراسر لبنان به عهده ی شماست : از توان تمام پرنده های کفیر - اف ۴ - اف ۱۵ - اف ۱۶ و ... ، بهره بگیرید. بمباران ها بدون وقفه ، با آهنگ زمانی مشخص ، حداقل در هر ۲۴ ساعت یکصد سورتی پرواز.

۳- فرمانده ی نیروی دریایی - کنترل سواحل لبنان و سوریه ، و آبهای بین المللی حد فاصل میان ترکیه ، قبرس ، سوریه و لبنان ، به عهده ی شماست. عملیات کنتراباند را صورت دهید و از ورود و خروج هر شناور به سواحل لبنان جلوگیری کنید ، مگر کشتی های کشورهای دوست ما.

دستورات عملیاتی بیان شده ، از این لحظه ، یعنی ساعت ۱۱ : ۳۴ چهارشنبه ۱۲ جولای ۲۰۰۶ لازم الاجراست. موفق باشید.

همه برخاستند و مصمم برای انجام وظیفه ، یکی

پس از دیگری اتاق وضعیت « مرکز فرماندهی و کنترل » عملیات ارتش را ترک کردند. آخرین نفر ، ژنرال شالوم ، آرام برخاست ، کلاه و کیف اش را برداشت ، از اتاق خارج شد. یکان او غیر از آماده باش ، هیچ مأموریت ابلاغی دیگری نداشت. به راننده گفت : به ستاد فرماندهی موشکی بر می گردیم.

از تل آویو خارج شدند و به سوی شرق روانه گردیدند.

وضعیت بحرانی دولت اولمرت

وضعیت بحرانی دولت اولمرت به واسطه عدم موفقیت در جنگ

* یک روز پس از انتشار گزارش نیمه نهائی کمیسیون تحقیق اسرائیلی جنگ لبنان ، در صحنه سیاست داخلی اسرائیل واکنش های گسترده نسبت به متن گزارش که در آن از ضعف تصمیم گیریها و اداره جنگ توسط رهبران کشور پرده برداشته شد ، ادامه دارد و بسیاری از افکار عمومی خواهان سقوط دولت و برکناری نخست وزیر و وزیر دفاع است.

* شماری از شهروندان اسرائیلی بامداد امروز از بندرحیفا به سوی تل آویو براه افتادند و فریاد زنان از نخست وزیر و وزیر دفاع خواستند حال که شکست سیاستهای آنها در جنگ محرز شده ، استعفا دهند. راه پیمایان می گفتند ، هدف بیدار کردن مردم و کشانیدن آنها یک همآیش اعتراضی انبوه در میدان بزرگ رابین تل آویو در روز پنجشنبه است. فراخوان به تظاهرات پنجشنبه در تل آویو از سوی خانواده های بیش از یکصد سرباز کشته شده در جنگ ۳۳ روزه صادر شده است.

* دانشجویان اسرائیل نیز که اکنون سه هفته است در اعتصاب بسر می برند ، امروز از تل آویو به سوی اورشلیم راه پیمائی کردند و در برابر اقامتگاه

نخست وزیر اجتماع کردند و از او و وزیر دفاع خواستند استعفا دهند.

* در پی انتشار گزارش کمیسیون وینوگراد ، شبکه های رادیویی تلویزیونی اسرائیل در بین شهروندان نظرسنجی هائی انجام دادند و نتیجه نشان داد حداقل از هر سه شهروند ، دو تن از آنها با کنار رفتن آقایان اولمرت و پرتس موافقتند. شبکه دوم تلویزیون اسرائیل نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرده که نشان میدهد محبوبیت آقای اولمرت ، صفر کامل است! اپوزیسیون این امر را شرمساری بیسابقه برای یک نخست وزیر توصیف کرد.

* رئیس کمیسیون تحقیق جنگ ۳۳ روزه ، قاضی وینوگراد در مورد آقای اولمرت گفت : نخست وزیر نسنجیده ، بدون مسؤولیت عمل کرد ، در مورد تصمیم خود عمیقا اندیشه نکرد و مشاوره ای هم به عمل نیآورد. نخست وزیر مسؤولیت اداری و شخصی تصمیم گیری آغاز جنگ را برعهده داشته و تصمیم های اشتباه گرفت.

* در مورد وزیر دفاع ، قاضی وینوگراد در گزارش خود نوشت : امیر پرتس با دیداستراتژیک رفتار نکرد. کمبود تجربه و ناآگاهی اش موجب شد که نتواند در انجام وظیفه موفق باشد.

* قاضی وینوگراد در مورد ژنرال دان خلوتص رئیس پیشین ستاد ارتش نوشت : مسؤولیت رئیس پیشین ستاد ارتش بسیار شدید و وخیم است چرا که او می دانست نه نخست وزیر و نه وزیر دفاع هیچکدام تجربه نظامی کافی ندارند.

* آقای اولمرت در پی رایزنی با وزیران حزب خود (کدیما) به گزارش کمیسیون تحقیق واکنش نشان داد و گفت : گزارش را می پذیرد ولی استعفا نمی دهد.

* معاون نخست وزیر اسرائیل آقای

شیمعون پرس امروز خواهان آن شد که ضمن آنکه گزارش جنگ لبنان جدی گرفته می شود در مورد آن "هیاهو" ، به توصیف وی ، به پا نگردد و "چنین وانمود نشود که گویا اسرائیل کشور ضعیفی است". وی گفت : "برپائی کمیسیون تحقیق تنها کار یک کشور قدرتمند است".

* رئیس ستاد کل پیشین ارتش ، ژنرال دان خالوتس ، که پس از استعفا در آمریکا بسر می برد ، در واکنش نسبت به گزارش کمیسیون داخلی جنگ لبنان گفت ، چند ماه پیش با تصمیم به استعفا مسؤولیت پذیری خود را نشان داد.

* اعلامیه نخست وزیر اسرائیل ، مبنی بر اینکه قصد استعفا ندارد ، موجب خشم شدید اوپوزیسیون و به ویژه حزب لیکود شد. رئیس فراکسیون حزبی لیکود گفت : آقای اولمرت تنها در اندیشه آنست که در مسند قدرت باقی بماند.

* رهبر حزب چپ گرای مرتس ، دکتر یوسی بیلین ، سخنان آقای اولمرت را در مورد ادامه حکومت ، "اهانت به خود ملت" توصیف کرد و گفت : آقای اولمرت برای جنگ هدفهائی تعیین کرده بود ولی این هدف ها عملی نشد و اکنون می کوشد باز هم ملت را فریب دهد.

* امروز نخستین شکاف در کابینه ائتلافی پدیدار شد و یک وزیر عضو کابینه آقای ایتان کابل از پست خود استعفا کرد. آقای کابل وزیر مشاور در دولت و سرپرست سازمان رادیو و تلویزیون ملی اسرائیل بود. آقای کابل پیش از ظهر امروز در یک کنفرانس خبری گفت : نخست وزیر باید مسؤولیت را قبول کند و من حاضر نیستم در دولتی باشم که اهود اولمرت

نخست وزیر آن باشد. وی افزود: ملت اعتماد خود را به نخست وزیر از دست داده است.

* یک عضو حزب کدیمما، که ریاست کمیسیون امور خارجی و دفاعی کنست را بر عهده دارد، گفت: اکنون زمان آنست که نخست وزیر از خود پرسد آیا در موقعیت فعلی قادر به اداره و هدایت دولت هست یا خیر!

* در واکنش به گزارش کمیسیون تحقیق اسرائیل، سخنگوی کاخ سفید گفت، پرزیدنت بوش معتقد است که وجود نخست وزیر اسرائیل برای ادامه تلاشهای صلح خاورمیانه ضروری است.

* روزنامه های مهم جهان امروز مهمترین عناوین خبری خود را به گزارش کمیسیون داخلی اسرائیلی جنگ لبنان اختصاص دادند و بیشتر مفسران ارزیابی کردند که دولت آقای اولمرت زمان زیادی دوام نخواهد کرد.

* در رسانه های اسرائیل نیز تحلیلگران امروز نوشتند: این زلزله سیاسی به استعفای دولت منجر خواهد شد.

منبع: رادیو اسرائیل

نا توانی اسرائیل در برابر حزب الله

گزارش اخیر انتشار یافته در سرزمینهای اشغالی موسوم به وینوگراد که در آن ایهود اولمرت (نخست وزیر)، عمیر پرتز (وزیر جنگ) و حالوتص (رئیس سابق ستاد مشترک ارتش)، به عنوان عاملان شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه لبنان معرفی شده اند، ضمن افزایش پیامدهای سیاسی که حتی به موضع گیری لیوونی وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر علیه نخست وزیر نیز انجامید، نگرانی های فزاینده ای درباره، افسانه برتری نظامی این رژیم و توانایی مقابله با عملیات شبه نظامیان فلسطین و لبنان ایجاد کرده است.

به گزارش رجانیوز، هفته نامه انگلیسی اکونومیست در یادداشتی با عنوان "جنگ بعدی

کجاست؟" به تشریح وضعیت رژیم صهیونیستی پیش و پس از جنگ ۳۳ روزه پرداخته و به نگرانی مقامات رژیم صهیونیستی از آغاز جنگی دیگر تأکید می کند.

در این نوشته به درگیریهای نظامیان صهیونیست با فلسطینیان در غزه پیش از جنگ لبنان ، که با اسارت گرفتن گلعاد اشمیت ، سرباز اسرائیلی آغاز شد ، اشاره شده است : در هیاهو و جنجال ناشی از جنگ تابستان گذشته با چریک های اسلامگرای حزب الله در لبنان عملیات نظامی در نوار غزه که اسرائیل آن را دو هفته قبل از جنگ لبنان و در واکنش به اسارت یکی از سربازانش آغاز کرده بود و در جریان آن بیش از ۴۰۰ فلسطینی کشته شدند ، تقریباً فراموش شده است اما مدت زیادی از پایان هر دو درگیری نگذشته بود که برخی مقامات اسرائیلی پیش بینی جنگی دیگر را آغاز کردند.

در ادامه این یادداشت به حملات موشکی اخیر شاخه نظامی حماس به غزه در واکنش به قتل فلسطینیان اشاره شده و آمده است : هفته گذشته پس از آنکه شاخه نظامی جنبش حماس ، حمله با موشک های خانگی موسوم به قسام و حملات خمپاره ای خود را از غزه به اسرائیل آغاز کرد ، هشدارها درباره حمله جدید اسرائیل با فوریت بیشتری مطرح شد. مدت شش ماه است که حماس عمده‌تاً از شلیک موشک خودداری و اسرائیل نیز عمدتاً از واکنش نشان دادن امتناع کرده است هرچند که هنوز هم به دنبال ترور مبارزان فلسطینی در کرانه باختری رود اردن است. حماس که شاخه نظامی اش مستقل از دمشق عمل می کند ، اعلام کرد حمله

موشکی اش فقط برای واکنش نشان دادن به قتل چندین فلسطینی بوده است. این حملات طبق معمول تلفاتی در پی نداشت اما یک ضربه مستقیم نادر مثل یک عملیات بمب گذاری انتحاری در قلب اسرائیل یا یک آدم ربایی دیگر، ممکن است همانطوری که "گابی اشکنازی" رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل گفته هیچ راه دیگری برای تل آویو جز پاتک زدن باقی نگذارد.

اکنون میست ادعای پاتک زدن رژیم صهیونیستی را نوعی بلوف دانسته و تأکید می کند بازگشت به غزه مطلوب اسرائیل نیست : با این حال بدون یک عملیات نظامی گسترده مشابه عملیات سپر دفاعی سال ۲۰۰۲ در کرانه باختری معلوم نیست اسرائیل چه می تواند بکند. یک مقام امنیتی ارشد گفت : نیروهای حماس در کرانه باختری نتوانستند از آن ضربه خود را ترمیم کنند اما هیچگاه شور و شوق زیادی برای چنین حمله ای در نوار غزه دیده نشده است و یکی از دلایلش نیز این است که در آن صورت ارتش اسرائیل مجبور خواهد شد بار دیگر در نوار غزه مستقر شود و این چیزی نیست که تل آویو پس از خروج نیروهایش از این منطقه در سال ۲۰۰۵ خواهان آن باشد.

یک ژنرال سابق ارتش اسرائیل نیز گفت : برای موشک های قسام هیچ راه حل نظامی وجود ندارد. با این حال موشک های قسام که ممکن است سیاستمداران اسرائیلی را برای صدور دستور حمله ای بزرگ تحریک کند، چیزی نیست که مقامات امنیتی اسرائیل را نگران کرده باشد. "انات کورتز" از موسسه مطالعات امنیت ملی گفت : « این موشک های ساده، بیش از آنکه ابزاری برای

مقاومت در برابر اسرائیل باشند ، برای ابراز وجود برخی از فلسطینی ها در جنگ قدرت داخلی شبه نظامیان رقیب هستند اما تهدید واقعی این است که حماس ، حزب الله و سوریه که حامی آنهاست ، سرگرم انبار کردن سلاح های سنگین تر هستند. در عین حال به قول مقامات امنیتی اسرائیل که مشی فریبده ای در پیش گرفته اند ، نیروهای سازمان ملل که بر آتش بس در لبنان نظارت دارند نتوانسته اند جلوی رسیدن سلاح های جدید ایران به حزب الله را از طریق سوریه بگیرند.

اکنون میست در به ادعای مقامات رژیم صهیونیستی درباره ارسال سلاح برای مبارزان لبنان و فلسطین پرداخته و می نویسد : مقامات اسرائیلی حالا بطور علنی می گویند ایران بطور قاچاقی از راه مصر به شبه نظامیان فلسطینی سلاح و مشاور می رساند. سخنگویان حماس می گویند مبارزان فلسطینی حالا موشک هایی دارند که برد آنها از موشک های قسام بیشتر است. بنابراین همه طرف ها علاقه مند هستند که فعلا اوضاع را آرام نگه دارند. با این حال همیشه این خطر هست که مثلا پس از یک حمله مرگبار با موشک قسام که پای حزب الله را مجدداً به وسط بکشد ، غزه بار دیگر منفجر شود و اگر بار دیگر جنگ آغاز شود و اگر گزارش اخیر وینوگراد درباره جنگ در لبنان درست باشد ، سیاستمداران اسرائیلی توانایی چندانی برای اداره آن نخواهند داشت.

نکته : با این حال همیشه این خطر هست که مثلا پس از یک حمله مرگبار با موشک قسام که پای حزب الله را مجدداً به وسط بکشد ، غزه بار

دیگر منفجر شود و اگر بار دیگر جنگ آغاز شود و اگر گزارش اخیر وینوگراد درباره جنگ در لبنان درست باشد ، سیاستمداران اسرائیلی توانایی چندان برای اداره آن نخواهند داشت.

منبع : رجا نیوز

جشن پیروزی ۳۳ روز مقاومت

در پی پیروزی حزب الله

در جنگ نابرابر در جنوب لبنان و برپایی جشن در این کشور ، بحران سیاسی رژیم اسرائیل را فرا گرفت.

حزب الله لبنان با صدور بیانیه ای پیروزی بزرگ ملت استوار و صبور لبنان را در مقابل اشغالگران صهیونیست تبریک گفت.

به گزارش خبرگزاری ها ، در این بیانیه که روز گذشته صادر شد آمده است ، مردان استوار و سرافراز مقاومت اسلامی لبنان این پیروزی بزرگ را به ملت غیور و بزرگوار لبنان تبریک و تهنیت می گویند.

در بیانیه حزب الله با اشاره به آمار تلفات آمده است : مقاومت اسلامی حزب الله در رویارویی با سربازان رژیم صهیونیستی ۶۱ تن از برادران خود را از دست داد و این بزرگواران در راه دفاع از حق و حقیقت به شهادت رسیدند.

گفتنی است آتش بس بین مبارزان حزب الله لبنان و نظامیان رژیم صهیونیستی ساعت هشت صبح روز گذشته به وقت محلی آغاز شد.

با عقب نشینی نیروهای ذخیره ارتش اسرائیل از جنوب لبنان و برقراری آتش بس در این مناطق و نیز مناطق شمالی اسرائیل ، آرامش نسبی برقرار شد و حملات هوایی به مناطق لبنان ، همچنین حملات موشکی به فلسطین اشغالی متوقف شد.

رزمندگان حزب الله روز گذشته چند ساعت پس از برقراری آتش بس ، با توزیع پوسترهایی از « پیروزی الهی » خود سخن گفتند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت ، در یکی از این پوسترها که در آن

تصویر متبسم « سیدحسن نصرالله » نقش بسته بود و در حومه جنوبی بیروت توزیع شد ، عبارت « پیروزی الهی » به چشم می خورد.

براساس این گزارش ، بر روی پوستره‌های یاد شده عبارت « پیروزی خداوند » نوشته شده بود.

مردم لبنان نیز با آذین بندی خیابان ها هلهله کنان این پیروزی را جشن گرفتند و در حالی که چراغ های اتومبیل خود را روشن و به بوق زدن های متوالی مشغول بودند شعار « بر اسرائیل پیروز شدیم » « سرانجام حق پیروز شد » سر می دادند و بین یکدیگر نقل و شیرینی پخش می کردند.

بازتاب پیروزی تاریخی حزب الله

لبنان روز گذشته شاهد عظمت پیروزی تاریخی مقاومت اسلامی بود که بازتاب گسترده آن را می توان در موضع گیری سیاستمداران ، در نگاه های آکنده از عزت و افتخار آوارگان و در شور و شوق کودکان بازگشته به روستاها و شهرها مشاهده کرد.

این کشور هم اکنون شاهد حضور گسترده خبرنگاران خارجی است که لحظه های پیروزی و افتخار مردم لبنان را ثبت می کنند و این حجم حضور به هیچ وجه با آنچه در شمال فلسطین اشغالی مشاهده می شود ، قابل مقایسه نیست.

بسیاری از شخصیت های سیاسی و دینی لبنان با حضور در حومه جنوبی بیروت در این روز پیروزی سهیم می شوند.

گروه ها و احزاب و شخصیت های ملی و اسلامی لبنان نیز در بیانیه ها و پیام های متعددی این پیروزی را تبریک گفتند.

بسیاری از رسانه های خبری جهان و تحلیل گران سیاسی از افزایش محبوبیت حزب الله لبنان و پیروزی سیاسی و نظامی گسترده این حزب در جنگ خبر دادند.

حزب الله توانست در این جنگ جایگاه مردمی و سیاسی خود را در منطقه بیشتر از گذشته به تثبیت برساند و ملت های منطقه نیز در رویارویی با سیاست های آمریکا به اتحاد و همبستگی بیشتری رسیدند.

این پیروزی به حدی چشمگیر و ملموس بود که سردمداران و مقامات مختلف سیاسی و نظامی اسرائیلی نیز توانستند از اعتراف به قدرت حزب الله خودداری کنند و در مقاطع و زمان های مختلف به قدرت و توانمندی بالای حزب الله اذعان کردند. در همین رابطه « مردخای زرعی » سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی با اذعان به قدرت موشکی حزب الله گفت برای تحمل چنین تلفات و خساراتی آمادگی داشتیم.

شیمون پرز نیز در مصاحبه با نیوزویک گفت : فکر نمی کردیم حزب الله دارای چنین توان موشکی باشد و از آن استفاده کند.

شیخ « عبدالامیر قبلان » نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان پیروزی مردم این کشور در جنگ با رژیم صهیونیستی را به آنان و مقاومت تبریک گفت و آن را ناشی از شجاعت و عزم قوی آنها دانست.

وی افزود : فداکاری ، شجاعت و اراده قوی مردم لبنان ، برنامه های صهیونیست ها را نقش بر آب کرد و برای لبنانی ها پیروزی و ارجمندی را به ارمغان آورد.

« ناصر قندیل » وزیر و نماینده سابق پارلمان لبنان گفت حزب الله اسلحه خود را همانند پیروزی اش اهدا نخواهد کرد.

وی افزود : به اعتراف دشمنان مقاومت اسلامی لبنان در رویارویی با متجاوزان صهیونیست به پیروزی قاطعانه ای دست یافتند.

جشن پیروزی حزب الله در شرق آسیا

بازتاب پیروزی سیاسی نظامی حزب الله تنها به منطقه خاورمیانه محدود نشد و روز گذشته در منطقه جنوب شرق

آسیا جشن پیروزی حزب الله مقابل سفارت خانه های آمریکا برگزار شد.

مردم مسلمان جنوب شرقی آسیا از تایلند گرفته تا فیلیپین با آتش زدن پرچم های آمریکا و اسرائیل ، پرچم زردرنگ حزب الله را به عنوان سمبل پیروزی اسلام بر کفر به اهتزاز در آوردند.

زلزله سیاسی در اسرائیل

در این حال نخست وزیر رژیم صهیونیستی در پارلمان گفت : ما در دو جبهه داخلی و مرزی متحمل ضربات دردناکی شدیم.

ایهود اولمرت که با چهره ای افسرده و غمگین در کنست سخن می گفت با دلداری دادن به نمایندگان و برخی فرماندهان ارشد این رژیم گفت : می دانم که همه شما غمگین هستید. ما در دو جبهه داخلی و مرزی متحمل ضربات سختی شدیم اما قطعنامه ۱۷۰۱ بیانگر موفقیت دیپلماتیک برای اسرائیل است.

احمد الطیبی نماینده عرب های ساکن فلسطین اشغالی در ادامه این جلسه به عملکرد دولت رژیم صهیونیستی و حمله به لبنان اعتراض کرد که با واکنش تند مسئولان امنیتی کنست مواجه شد و با زور از جلسه اخراج گردید.

مقامات مسئول و امنیتی اسرائیل نیز اذعان داشتند ، بسیاری از احزاب داخل اسرائیل خواستار تشکیل کمیته تحقیق برای ارزیابی عملکرد دولت اولمرت در این جنگ شده اند و مطالبات خود را برای تشکیل این کمیته به هیئت رئیسه کنست تحویل داده اند.

این مقامات افزودند : به دنبال گسترش انتقادات از عملکرد دولت اسرائیل در این جنگ ، برخی از احزاب مخالف و نیز احزاب مستقل اسرائیل خواستار تشکیل دولت موقت در اسرائیل و انحلال دولت فعلی شدند.

این احزاب با ارائه درخواستی خواستار تشکیل فوری دولت موقت و برکناری اولمرت و انحلال دولتش شدند.

منابع خبری از سرزمین های

اشغالی خبر می دهند تاکنون شش فرمانده عالی رتبه و ۱۸ افسر ارشد نظامی برکنار و در اختیار دادگاه های نظامی قرار گرفته اند که به جرایم آنان در این مدت رسیدگی شود.

گفته می شود تعدادی از این نظامیان از آغاز جنگ علیه لبنان، این جنگ را بی حاصل می دانستند.

تعداد دیگری از فرماندهان نظامی اسرائیل که در اختیار دادگاه های نظامی قرار گرفته اند متهم هستند که در انجام مسئولیت های خود کوتاهی کرده و بخشی از ناکامی ارتش اسرائیل را رقم زده اند.

عذرخواهی رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی

ژنرال «دان حالوتس» رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی به علت برآورده نشدن اهداف اصلی تجاوز به لبنان از مردم اسرائیل عذرخواهی کرد.

رژیم صهیونیستی نابودی جنبش حزب الله، آزادی گروگان ها و ترور سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب الله را اهداف تهاجم به لبنان اعلام کرده بود که به هیچ کدام از اهدافش نرسید. شائول موفاز وزیر دفاع سابق اسرائیل نیز به شکست این رژیم در نبرد با حزب الله اعتراف کرد و گفت باید بپذیریم که در این جنگ شکست خورده ایم.

در همین رابطه «امیر پرتز» وزیر دفاع رژیم صهیونیستی نیز گفت نتایج ناگوار این جنگ برای اسرائیل، ما را به بازبینی در مسائل داخلی ملزم کرد.

بازگشت هزاران آواره لبنانی

به رغم هشدارهای مکرر دولت لبنان و مسئولان امنیتی این دولت به عدم بازگشت سریع آوارگان لبنانی به مناطق مسکونی خود، ده ها هزار تن از آوارگان لبنانی تنها دقایقی پس از برقراری آتش بس راهی مناطق و منازل مسکونی خود شدند. مسئولان امنیتی لبنان هشدار دادند که بسیاری از موشک های اسرائیل و نیز بمب های ساعتی در مناطق جنوبی به خصوص مناطق مرزی همچنان منفجر نشده اند و خطر انفجار این بمب ها وجود دارد. آنان تاکید کردند: مردم نباید در بازگشت به مناطق مسکونی خود عجله به خرج دهند. انفجار چندین بمب ساعتی در شمال نبطیه به کشته شدن ۱۰ تن از آوارگان لبنانی و زخمی شدن ۱۵ تن دیگر منجر شد.

هشدار حزب الله

حزب الله در مورد انتخاب رئیس جمهور لبنان به شیوه غیرقانونی هشدار داد

معاون دبیر کل حزب الله هشدار داد هر رئیس جمهوری که بر خلاف قانون اساسی بر مسند قدرت بنشیند، با او به عنوان خائن و اشغالگر قدرت برخورد خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری ها، شیخ «نعیم قاسم» یکشنبه شب در مراسم بیست و نهمین سالروز به اسارت در آمدن «سمیر قنطار»

قدیمی ترین اسیر لبنانی در زندان های اسرائیل در بیروت با اعلام مطلب فوق افزود : آینده لبنان ، « ۱۴ مارس » نیست و گروه سیاسی حاکم باید مشارکت واقعی را مبتنی بر راهکارهای قانون اساسی قبول کند و یا انتخابات زودهنگام مجلس را برای تشکیل مجدد دولت بپذیرد و وقت را از دست ندهد.

معاون دبیر کل حزب الله درباره برخورد فریبکارانه طیف سیاسی ۱۴ مارس با قانون اساسی به این گروه

هشدار داد و افزود: طبق قانون اساسی، رییس جمهور براساس رای اکثریت نمایندگان مجلس انتخاب می شود و نه یک سوم و اگر غیر از این باشد، فرد تعیین شده، اشغالگر این پست و خائن به قانون خواهد بود و ما عوامل این اقدام احتمالی را به دادگاه ارجاع و آنها را محاکمه خواهیم کرد.

معاون دبیر کل حزب الله گفت جناح حاکم همه نهادهای قانونی لبنان را یکی پس از دیگری به تعطیلی کشانده و به دامن شورای امنیت پناه برده اند.

نعیم قاسم همچنین تاکید کرد: راه برای هرگونه شیوه حل و فصل اختلافات باز است و گفت و گوی ثمربخش را می پذیریم، اما گفت و گوی ظاهری برای وقت کشی را قبول نمی کنیم.

وی تاکید کرد که گروه های مخالف دولت یکپارچه، متحد، هماهنگ، قوی و شجاع هستند و به تلاش خویش برای دستیابی به اهداف مشروع خود ادامه می دهند.

معاون دبیر کل حزب الله لبنان همچنین مخالفت خود را با هرگونه فتنه انگیزی در لبنان ابراز داشت و هشدار داد که اسرائیل در تلاش برای فتنه انگیزی در میان لبنانی ها است.

وی در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به تبادل اسرای حزب الله و اسرائیل گفت: مذاکرات در مورد زندانیان با میانجی گری سازمان ملل صورت می گیرد اما تاکنون این گفت و گوها به نتیجه نرسیده است.

نعیم قاسم تاکید کرد دو نظامی اسرائیلی که حزب الله آنها را اسیر کرده است تنها در ازای آزادی همه زندانیان لبنانی در اسرائیل آزاد خواهند شد.

تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد ناامنی در لبنان

خبرگزاری فارس: یک عضو ارشد جنبش حزب الله لبنان در باره

خطر نفوذ نیروهای سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی "موساد" به لبنان هشدار داد.

به گزارش خبرگزاری فارس، شیخ خضر نور الدین در گفتگو با شبکه خبری العالم با اشاره به کشف یک بانده وابسته به سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی در لبنان گفت: اسرائیل سعی دارد با رخنه به عرصه سیاسی لبنان وضع امنیتی این کشور را بحرانی تر سازد تا بتواند نقشه های خود را اجرا کند.

وی افزود: اسرائیل برای هیچ یک از کشورهای عربی امنیت و ثبات را نمی خواهد و برای این رژیم بسیار مهم است که این کشورها مشغول مسائل داخلی خود باشند به ویژه لبنان که نقش زیادی در شکستن هیبت اسرائیل داشت.

این روحانی لبنانی با تاکید بر لزوم بی اعتنایی کمیته تحقیق بین المللی به فشارهای سیاسی و بیطرفی آن در روند تحقیق درباره ترور رفیق حریری نخست وزیر پیشین لبنان گفت: جنبش حزب الله هم مانند دولت و مردم لبنان خواهان مشخص شدن حقایق این پرونده است.

وی افزود: لبنان از زمان آن ضربه دردناک تاکنون در ضعف و خستگی به سر می برد به همین سبب ما خواستار شتاب بیشتر در مشخص شدن حقیقت هستیم.

هشدار اسرائیل به دولت لبنان در باره حزب الله

نخست وزیر رژیم صهیونیستی دولت لبنان را مسئول هر گونه اقدام حزب الله علیه این رژیم در صورت پیوستن این حزب به دولت جدید دانست.

به گزارش ایسنا، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در نشست هفتگی دولت در اولین واکنش مقام های این رژیم به رایزنی های در حال جریان جهت تشکیل دولت جدید لبنان توسط سعد حریری، نخست وزیر این کشور گفت: در صورتی که حزب الله لبنان به دولت

این کشور بیوندد ، این دولت مسئول هر گونه اقدام حزب الله علیه اسرائیل است.

رادیو رژیم صهیونیستی گزارش داد که هشدار نتانیاهاو به دولت لبنان در پاسخ به سوال یکی از وزیران کابینه مبنی بر اینکه آیا نتانیاهاو در سفر اخیرش به اروپا درباره پیوستن حزب الله به دولت آینده لبنان گفت و گو کرده یا خیر ، مطرح شد.

اسرائیل تاکنون دولت لبنان را مسئول مستقیم فعالیت های حزب الله ندانسته بود

نتانیاهاو در پاسخ به این سوال تاکید کرد که در دیدار با نیکولا سارکوزی ، رئیس جمهور فرانسه و سیلویو برلوسکنی ، نخست وزیر ایتالیا در خصوص این موضوع بحث و تبادل نظر کرده است.

رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد : اسرائیل تاکنون دولت لبنان را مسئول مستقیم فعالیت های حزب الله ندانسته بود.

نتانیاهاو بار دیگر تاکید کرد : چنانچه نمایندگان حزب الله در دولت آینده لبنان حضور داشته باشند نمی توان این دولت را از مسئولیت هایش درباره هر گونه حملات حزب الله علیه اسرائیل تبرئه کرد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

